

انترناسیونال

۵۵

دوره دوم

جمعه، ۱۰ مهر ۱۳۸۳

۱ اکتبر ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر: سیاوش دانشور

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

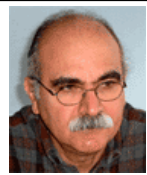


اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

در گرامیداشت جانباختگان نور آباد ممسنی و بندر عباس اصغر کریمی صفحه ۶
آیان هیرسی علی توسط جلیل بهروزی صفحه ۱۱
تظاهرات و درگیری مردم با اسلامي ها تهدید به مرگ شد صفحه ۱۲
اعتراضات توده ای در تهران نورآباد ممسنی و بندرعباس صفحه ۱۱، ۱۲



کنگره پنجم کنگره سوسیالیسم و انقلاب

گفتگو با حمید تقوایی لیدر حزب درباره کنگره پنجم صفحه ۲

ستون اول حمید تقوایی

زنده باد

سوسیالیسم

پیام به مردم ایران
به مناسبت دور جدید
اعتراضات توده ای

مردم آزاده ایران!

اوجگیری مجدد تظاهرات و تجمعات اعتراضی شما تمام تلاشهای چند ماه اخیر حکومت اسلامی برای مرعوب کردن جامعه را نقش بر آب کرد. یکبار دیگر روشن شد که جمهوری اسلامی قادر به مهار کردن و عقب راندن جنبش عظیم انقلابی شما مردم نیست. شما عزم جزم کرده اید که به قدرت انقلابی خود حکومت اسلامی را سرنگون کنید و این عزم و اراده شما در شعار آزادی و برابری، در شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، و در شعارهای "سوسیالیسم دوی درد مردم" و "سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض" که در تظاهرات روز پنجم مهر طنین انداخت تجلی پیدا میکند. صفوف خود را فشرده تر کنید، به خیابانها بیایید و پرچم این شعارها را بلندتر برافرازید.

کارگران، زنان، جوانان!

حزب ما برای سرنگونی حکومت اسلامی، برای استقرار جمهوری سوسیالیستی، و تحقق آزادی و برابری و رفاه مبارزه میکند.

صفحه ۶



اوضاع سیاسی ایران

گفتگو با اصغر کریمی صفحه ۵



با "کانال جدیدها"

گفتگو با آذر ماجدی و علی جوادی صفحه ۷



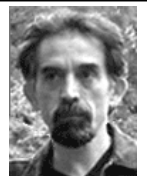
باید همه جا نیروهای رژیم احساس ناامنی کنند

گفتگو با محمد آسنگران دبیر کمیته کردستان حزب صفحه ۹



پیام به معلمان

شهلا دانشفر صفحه ۱۰



"سوسیالیسم پیاخیز برای رفع تبعیض"

سیاوش دانشور صفحه ۱۰

انترناسیونال ضمیمه شماره ۵۵ منتشر شد

www.anternasional.com

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کنگره پنجم کنگره سوسیالیسم و انقلاب

گفتگو با حمید تقوائی لیدر حزب دربارہ کنگره پنجم

انترناسیونال: ارزیابی شما از جایگاه و اهمیت سیاسی کنگره پنجم حزب چیست؟

حمید تقوائی: کنگره پنجم از هر نظر یک کنگره ویژه و استثنائی بود. هم از نقطه نظر شرایط و نحوه برگزاری و هم بخصوص از لحاظ سیاسی و مضمون قطعنامه ها و مباحثش و درجه دخالتگری بدنه حزب از خارج و داخل کشور در این مباحثات.

این کنگره بدنبال یک دوره مجادله نظری در حزب بر سر مسائل اساسی ای نظیر انقلاب و سوسیالیسم و سیاست و استراتژی عملی حزب برای سرنگونی حکومت اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی تشکیل میشود و لذا هم از نظر نحوه برگزاری و هم مضمون مباحث مهر این دوره را بر خود داشت. از لحاظ شکل برگزاری این کنگره مستقیم اعضا و کادرها بود. نیمی از کمیته مرکزی، رفقائی که انشعاب کردند، با تشکیل کنگره مخالف بودند دقیقاً به این دلیل که میدانستند اکثریت بالائی از کادرها و اعضا با نظرات آنها مخالفند. به این دلیل که میدانستند کنگره تنها و نظرات آنها را رد خواهد کرد و با احتمال زیاد بسیاری از آنان به کمیته مرکزی انتخاب نخواهند شد. در مقابل، اکثریت اعضا و کادری که حزب خواهان برگزاری کنگره بودند.

برای به سرانجام رساندن سیاسی و تشکیلاتی اختلاف نظرات و مجادلاتی که در کمیته مرکزی وجود داشت و کمیته مرکزی را به دو نیم تقسیم کرده و رهبری حزب را عملاً فلج کرده بود راهی بجز توسل به عالیترین ارگان حزبی یعنی کنگره وجود نداشت و اکثریت حزب این ضرورت را تشخیص میداد. به همین دلیل من بعنوان دبیر کمیته مرکزی و با اتکا به خواست اکثریت اعضا و کادرها و اکثریت دفتر سیاسی حزب کنگره پنجم را فراخواندم و از همه رفقا خواستم در

آن شرکت کنند. رفقائی که نظرات راست را نمایندگی میکردند، علیرغم دعوت و اصرار ما، ترجیح دادند حزب را ترک کنند و به کنگره نیایند. اما اگر هم شرکت میکردند در نتایج سیاسی و تشکیلاتی کنگره فرق چندانی داده نمیشد.

از لحاظ مضمون مباحث و مصوبات، کنگره پنج یک کنگره چپ و رادیکال بود که بر اساسی ترین اهداف و باید بگویم ویژگی های پایه ای و خصلت نمای کمونیسم کارگری تاکید گذاشت، بر سازماندهی و رهبری انقلاب و اعلام فوری جمهوری سوسیالیستی پای فشرده و در واقع بر مینا و در ادامه برنامه یک دنیای بهتر و سیاستها و مصوبات کنگره های قبلی حزب یک گام بلند بجلو برداشت. کنگره پنجم در واقع کنگره تاکید بر ویژگیهای کمونیسم کارگری در تقابل با کمونیسم های نوع دیگر بود. این کنگره سوسیالیسم و انقلاب به روایت منصور حکمت بود.

انترناسیونال: چرا بر ویژگی کنگره پنجم تاکید دارید و معانی سیاسی و عملی این ویژگی برای فعالیت حزب کدامند؟

حمید تقوائی: همانطور که گفتم ویژگی کنگره پنج ویژگی جنبش و حزب کمونیسم کارگری است. یعنی رادیکالیسم و ماکسیمالیسمی که همواره خصلت نمای خط و سیاست منصور حکمت بوده است، آنچه بقول خود منصور حکمت ما را به "چپ افراطی" جامعه تبدیل میکند. گرایش راست در حزب ما این ویژگیها را بزیر سؤال برد. اعضا و کادری که در واقع در برابر گرایش راست و برای دفاع از موجودیت و خصلت وجودی خود و حزب و جنبششان به کنگره آمده بودند. آمده بودند تا بگویند سوسیالیست و انقلابی هستند، "خلاف جریان"، "کله شق" و "افراطی"

هستند، آمده بودند اعلام کنند که در برابر تحقیر انقلاب و احاله سوسیالیسم به آینده نامعلوم قاطعانه می ایستند و اجازه نمیدهند حزب و جنبش ما به یک حزب و جنبش متعارف تنزل پیدا کند. کنگره از لحظه شروع تا خاتمه اش با قاطعیت و روشنی و یکصدا همه اینها را اعلام کرد و به این ترتیب موقعیت یگانه و نفوذ و محبوبیت حزب در جامعه و در جنبش انقلابی مردم را حفظ و تضمین کرد. اهمیت سیاسی کنگره نیز به نظر من در همین نهفته بود. "چپهای افراطی" دور هم گرد آمدند تا بر افراطی بودن خود دوباره تاکید کنند و به دنیا اعلام کنند که حزب منصور حکمت همچنان نقطه اتکا و مرجع و رهبر محبوب کارگران و زنان و جوانان در جامعه انقلابی ایران است. این حزب سوسیالیسم فورا و حزب رهبر و سازمانده انقلاب است و حزبی است که برای به پیروزی رساندن انقلاب و برقراری جمهوری سوسیالیستی استوار تر و متحد تر و منسجم تر از همیشه سر بر افراشته است و قاطعانه به پیش میرود.

انترناسیونال: در کنگره اشاره کردید که حزب پرورنده جدائی اخیر را میندند. منظور چیست؟

حمید تقوائی: با کنگره ۵ حزب ما یک دوره را پشت سر گذاشت: دوره بحث و مجادله نظری با گرایش راست در حزب. منظورم تنها از لحاظ تقویمی نیست. کنگره از لحاظ سیاسی اختلاف نظری که بیش از دوسال در رهبری حزب وجود داشت را با نقد و طرد نظرات راست به سرانجام رساند. در این کنگره، حزب هم تبیین و نقد خودش را از این گرایش اعلام کرد و هم راه پیشرفت به جلو در تداوم خط سازماندهی و رهبری انقلاب، سیاستی که از طرف گرایش راست به زیر سؤال رفته بود، را مشخص

نمود و فرا راه حزب قرار داد. با این ترتیب ما یک نبرد دیگر با گرایش راست را با موفقیت پشت سر گذاشتیم و اکنون باید بر وظایف متنوع و وسیعی که پیش رو داریم متمرکز شویم. البته مسائل و مباحث مورد مجادله در این دوره منبع و مرجع غنی ای برای بازخوانی و درک و شناخت کمونیسم کارگری و بویژه مباحث "حزب و قدرت سیاسی"، "حزب و جامعه"، "دولت در دوره های انقلابی" و میحث "سلبی و اثباتی" منصور حکمت فراهم میکنند. همیشه مارکسیسم را در نقد نظرات دیگر بهتر میشود درک کرد. و در این مورد نیز همین طور است. نسل من مارکسیسم انقلابی را با نقد پوپولیسم آموخت و امروز جوانانی که به ما روی می آورند میتوانند در نقد کمونیسم غیر کارگری که گرایش راست در حزب ما نمایندگی کرد، و باید گفت تا آنجا که به انقلاب و سوسیالیسم مربوط میشود نقاط مشترک زیادی با همان پوپولیسم قدیمی دارد، کمونیسم کارگری منصور حکمت را بهتر و عمیقتر بشناسند و فرا بگیرند. در جریان مجادله اخیر حجم زیادی از مباحث کتبی و شفاهی در نقد این نظرات گفته و نوشته شده که بخشی از ادبیات حزب ما در نقد کمونیسم غیرکارگری محسوب میشود و از این نقطه نظر ارزش آموزشی بالائی دارد. این اسناد روی سایتهای حزب هست. ما بزودی آنها را به شکل یک مجموعه کلاسه و فهرستبندی شده به نحوی که بیشتر برای همگان قابل استفاده و رجوع باشد چاپ و منتشر خواهیم کرد.

انترناسیونال: منشعبین در نشریات حزبی که تشکیل داده اند مرتب مشغول حمله به حزب و کادرها و شخصیتهای حزب ما هستند. آیا پشت سر گذاشتن انشعاب به این معناست که شما به این حملات پاسخ نمیدهد؟

حمید تقوائی: ما سعی کردیم که حساب منشعبین و بحثها و برخوردهایشان را از حزبی که تاسیس کرده اند جدا کنیم و این را هم در بیانیه حزب رسماً اعلام

کردیم. ولی متأسفانه اینطور به نظر میرسد که حزب آنان دارد خود را با مخالفت با رهبری و کادری حزب ما تعریف میکند. بخش عمده ای از مقالات اولین شماره نشریاتشان و مصاحبه ها و اطلاعاتی هایشان به تهمت و افترا و ترور شخصیت علیه ما، یعنی رفقا و همزمان سابقشان اختصاص یافته است. در واقع دارند همان خط بغایت راست، ضدکمونیستی و تماماً بی پایه و خالی از حقیقت بیانیه ۲۱ نفره را دنبال میکنند. این راه آخر و عاقبت خوشی ندارد. هیچ حزبی نمیتواند با نفرت پراکنی علیه حزب ما، و کلا هر حزب دیگری در اپوزیسیون، دوام بیاورد. این راه را قبلاً طی کرده اند و بجائی نرسیده اند. امیدوارم رفقا هم هر چه زودتر انشعاب را پشت سر بگذارند و راه دیگری برای تعریف حزب خود بیابند. گرچه فکر میکنم این خصومت با حزب ما به نوعی به آنها تحمیل شده است. تحمیل شده است باین خاطر که حزب جدید با بحران هویت و تعریف خود روبروست. اگر قرار باشد برنامه یک دنیای بهتر و جمهوری سوسیالیستی و سوسیالیسم فورا پلاتفرم آنان نیز باشد و تزهاری راستی که تمام بحثهای دورنی حزب ما در دوسال اخیر را موجب شد مسکوت و کنار گذاشته شود آنوقت این سؤال برای همه مطرح خواهد شد که چرا انشعاب کردید؟ اگر انقلاب دموکراتیک و سوسیالیسم بعداً و هنوز نوبت ما نرسیده و ما اقلیتیم نظرات مشعشعی از این قبیل پلاتفرم شما نیست، پس تمایزتان با حزبی که از آن جدا شدید در چیست؟ باید پاسخی برای این سؤال پیدا کنند. و پاسخ در موقعیت غیر قابل دفاعی که برای خود ساخته اند تنها میتواند بیانیه ۲۱ نفره و حمله شخصی به شخصیتهای حزب ما باشد. و دقیقاً در تبلیغات و نشریاتشان دارند همین کار را میکنند. اگر این نشریات به ثبوت رسیده بود همه آنها را میشد بخاطر هتک حرمت و افترا زدن به افراد تحت تعقیب قرار داد. این حزب جدید علت وجودیش سیاسی نیست.



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



با حرف نمیزنم و نظر نمیدهم و تفتیش عقاید نکنید نمیشود حزب ساخت.

برای ما مساله کاملا در سطح دیگری مطرح است. ما نه قبل و نه بعد از انشعاب وارد بحث در مورد خصوصیات فردی و حمله به اشخاص نشدیم و به چنین حملاتی پاسخ ندادیم. اصولا نیازی به این کار نداشتیم. پلاتفرم و بحث سیاسی روشنی داشتیم که نمیخواستیم از کسی پنهان کنیم، نقد رادیکال و صریح و عمیقی به نظرات راست داشتیم که میخواستیم همه از آن با خبر باشند و با صدای بلند این نقد را مطرح کردیم. ما نمیخواستیم این رفقا از حزب بروند، هدف ما تنها نقد و طرد مواضع و سیاستهای آنها بود و این امر نیز با موفقیت به انجام رسید. اکنون که این رفقا رفته اند و حزب خودشان را ساخته اند مساله از نظر ما پایان یافته است. هر اندازه هم که حزب جدید به ما بتازد ما در این عرصه با آنها مقابله نخواهیم کرد. ما تنها به سیاستها و مواضع حزب جدید حساسیم و مسلما هرگاه لازم باشد به آن برخورد خواهیم کرد ولی حملات شخصی و تهمت‌ها و افتراها از نظر ما قابل پاسخ گفتن نیستند. امیدوارم این رفقا سریع تر راه و روش دیگر و سیاسی تری برای تعریف و توضیح هویت حزب جدیدشان پیدا کنند و از حملات غیر سیاسی به حزب و شخصیت‌های حزب ما دست بردارند. این قبل از هر چیز به نفع خودشان است.

انترناسیونال: کنگره قطعنامه ای در مورد سیاست رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در قبال این جدائی و همینطور حمایت از فراکسیون چپ در این حزب تصویب کرد. چه وظایفی در این زمینه در دستور حزب کمونیست کارگری ایران قرار میگیرند؟

حمید تقوائی: اولین وظیفه ما مطلع ساختن اعضا و کادرهای حزب عراق و کلا آگاه کردن جنبش کمونیسم کارگری و مردمی که در عراق این حزب و جنبش را دنبال میکنند، از مضمون بحثها و اختلاف نظراتیست که به انشعاب اخیر در حزب ما منجر شد. دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق از یکسو در مورد مضمون کاملا راست نظرات منشعبین

سکوت کرده است و از سوی دیگر به حزب ما پشت کرده و یکسره و تماما به حمایت یکجانبه از حزب منشعبین برخاسته است. دفتر سیاسی حزب عراق مدعی است پرچم منصور حکمت در دست حزب جدید التاسیس است و مردم ایران را فرا میخواند که به این حزب بپیوندند. یعنی عملا دارد به تزهائی و آشکارا راست نظیر "سوسیالیسم مردم را رم میدهد" و "قیام خشونت است" و "انقلابی در ایران در کار نیست" و احاله انقلاب به بعد از تصرف قدرت و غیره مهر تایید میزنند. این موضع گیری، حزب و کل جنبش کمونیسم کارگری در عراق را در معرض چرخش به راست قرار داده است. به همین دلیل اولین وظیفه ما ترجمه کردن مباحث و قابل دسترس کردن آن برای اعضا و کادرهای حزب و جامعه عراق است. ما تلاش خواهیم کرد به کمک رفقای فراکسیون چپ در حزب عراق این کار هر چه سریعتر عملی شود. نکته دیگر اینست که مستقل از نظرات و سیاستهای منشعبین، چرخش ناگهانی دفتر سیاسی حزب عراق به حمایت یکجانبه از آنها عملی کاملا غیر اصولی و غیر قابل دفاع است. دو حزب کمونیست کارگری در ایران و عراق، از همان بدو تشکیل حزب عراق که اساسا با رهبری و همت و پیگیری منصور حکمت صورت گرفت، روابط بسیار نزدیک و گرمی داشته اند. اعضائی از کمیته مرکزی هر دو حزب در کمیته مرکزی حزب دیگر عضو بودند، اعضای رهبری در پلنومها و کنگره های یکدیگر شرکت میکردند، کمیته ها و تشکیلاتهای حزبی در خارج کشور کمپینها و اتحاد عملهای وسیع و متنوعی در عرصه های مختلف مبارزه داشتند و غیره. امروز دفتر سیاسی حزب عراق سعی میکنند این روابط را تماما قطع کند. نمونه بارز این امر که من در کنگره هم به آن اشاره کردم برخورد رهبری این حزب به بیانیه مشترکی است که حدود سه هفته قبل کمیته های تشکیلات کانادا هر دو حزب منتشر کردند. این رفقا مدتهاست که کمپین مشترکی را برای رسمیت یافتن اول ماه مه بعنوان روز کارگر در کانادا به پیش میبرند. چندی پیش کنگره کار کانادا پیشنهاد کرد اول مه بعنوان روز کارگر برسمیت شناخته شود. و به همین مناسبت کمیته هر دو حزب

پیام مشترکی خطاب به این سازمان منتشر کردند و ضمن اشاره به کمپین مشترک خود برای رسمیت دادن به اول مه از این پیشنهاد کنگره کار کانادا استقبال کردند. رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در عکس العمل به این اقدام در یک دستورالعمل داخلی هر نوع همکاری بین تشکلهای دو حزب در خارج را ممنوع اعلام کرد! آیا در این برخورد واقعا مصالح و منافع جنبش کارگری در کانادا مد نظر رفقا بوده است؟!

نمونه دیگر برخورد دفتر سیاسی حزب عراق به کنگره ما بود. این رفقا نه تنها به دعوت ما پاسخ منفی دادند، بلکه اعضا و کادرهایشان را هم از شرکت در کنگره بازداشتند و به شدیدترین برخورد انضباطی تهدیدشان کردند. این نوع عملکردها با هیچ منطق و بهانه ای قابل توضیح نیست. دفتر سیاسی حزب عراق در واقع دارد بعنوان بخشی از منشعبین حزب ما عمل میکند. از بحث سیاسی ظفره میروند، در مورد نظرات و مواضع آشکارا متناقض با کمونیسم کارگری سکوت میکند و در عوض در بیانیه ها و نامه های سرگشاده اش، با لحن و مضمونی که چندان از نوشته های منشعبین قابل تمیز نیست، به حزب ما میتازد و در برابر همکاری و همراهی دو حزب در میتینگها و کمپینهای حزبی می ایستد.

فراکسیون چپ در حزب عراق دقیقا در نقد همین نوع سیاستها تشکیل شده است. موضع ما در قبال این فراکسیون همانست که اتحاد مبارزان در قبال فراکسیون مارکسیسم انقلابی در سازمانهای پوپولیست آن زمان دنبال میکرد. ما در هیچ سطحی خواهان تضعیف و خدشه وارد شدن به وحدت حزب عراق نیستیم. هدف ما ممانعت از چرخش به راست حزب کمونیست کارگری عراق و تفوق خط و سیاست کمونیسم کارگری در این حزب است. ما این هدف خود را از طریق نقد سیاسی و مبارزه نظری آشکار به پیش خواهیم برد.

انترناسیونال: مهمترین بحث کنگره دو قطعنامه در باره استراتژی حزب برای کسب قدرت سیاسی بود. در کنگره چهارم نیز در قطعنامه "حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب در ایران" رئوس وظایف

حزب در همین رابطه تعیین شده بود. ضرورت تصویب قطعنامه دیگری در کنگره پنجم چه بود؟ تفاوت این قطعنامه ها در چیست؟ **حمید تقوائی:** قطعنامه کنگره چهار اساسا به انقلابی که در ایران در حال شکل گیری است میپردازد. مضمون این قطعنامه اساسا عبارت است از اعلام سرنگونی حکومت اسلامی بقدرت انقلاب مردم بعنوان محتمل ترین سناریوی سقوط رژیم، تاکید بر پیشرویهایی جنبش سرنگونی و رادیکالیزه شدن این جنبش، رابطه دول غربی و نیروهای اپوزیسیون با انقلاب، نقش تاکنونی حزب در تحولات سیاسی ایران و خطوط عمده وظایف آن برای رهبری و سازماندهی انقلاب. بعبارت دیگر موضوع محوری این قطعنامه انقلاب ایران است. قطعنامه کنگره پنج با همین دیدگاه به مساله کسب قدرت سیاسی میپردازد. این قطعنامه در واقع ادامه همین جهت گیری در عرصه مشخص وظایف عملی حزب در دو سطح سراسری و محلی برای سازماندهی انقلاب و کسب قدرت سیاسی است. در سه بند اول این قطعنامه مبانی استراتژی حزب توضیح داده شده است. بر این تاکید شده که هدف و شعار ما در رابطه با قدرت سیاسی برقراری جمهوری سوسیالیستی است و حزب این هدف را از طریق سازماندهی و رهبری تحولات انقلابی که هم اکنون در جامعه در حال جریان است دنبال میکند. تاکید شده است که مبارزه ما برای سرنگونی حکومت اسلامی از مبارزه برای برقراری جمهوری سوسیالیستی جدا نیست و تا زمان کسب قدرت سیاسی و برقراری جمهوری سوسیالیستی حزب از طریق سازماندهی انقلاب علیه حکومت اسلامی و یا هر حکومت بورژوائی دیگر جانشین آن برای تصرف قدرت سیاسی مبارزه میکند. اینها مبانی استراتژی حزب هستند. همین خط و سیاست در قطعنامه "حزب و قدرت سیاسی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی" بیشتر باز شده و سیاست حزب در قبال سناریوهای مختلفی که ممکن است اتفاق بیافتد توضیح داده شده است.

اساس این سیاست که در این دو قطعنامه بطور موجز بیان شده این اصل پایه ایست که حزب ما در تمام لحظات فعالیتش مشغول

سازماندهی انقلاب سوسیالیستی است، و برای حزب ما هر انقلاب و تحول انقلابی، خصلت و مضمونی سوسیالیستی دارد. بدون ایفای نقش حزب ما و سازماندهی و رهبری حزب ما نه انقلابی در کار خواهد بود و نه حتی اگر رژیم در نتیجه هر نوع تحولی سقوط کند مردم به رهایی و پیروزی خواهند رسید. رهایی و آزادی مردم تنها با برقراری جمهوری سوسیالیستی و

سوسیالیسم امکان پذیرست. نکته پایه ای دیگری که در قطعنامه تصریح شده اینست که حزب ما به محض بقدرت رسیدن جمهوری سوسیالیستی را اعلام میکند و برنامه يك دنياي بهتر را به اجرا میگذارد. این نکات پایه ای در واقع حرف تازه ای نیست و از مبانی نظری و فکری کمونیسم کارگری و میتوانیم بگویم کمونیسم منصور حکمت از همان آغاز با بعرضه گذاشتن مارکسیسم انقلابی بوده است. در قطعنامه های "مبانی استراتژی .." و "حزب و قدرت سیاسی بعد از سرنگونی ..." این مبانی نظری جنبش ما بطور موجز فرموله شده و بعنوان مبانی استراتژیک ما برای کسب قدرت سیاسی بر آن تاکید شده است.

در بند چهارم قطعنامه استراتژی مشخصا به رئوس وظایف حزب برای سازماندهی و رهبری انقلاب میپردازد. در قسمت الف وظایف سراسری حزب توضیح داده شده. به نظر من ویژگی بحث حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت در تبدیل حزب به يك آلترناتیو و انتخاب اجتماعی کارگران و کلا مردم آزادیخواه و انقلابی، در مقابل جمهوری اسلامی و بعنوان جانشین آنست. منصور حکمت بر این تاکید داشت که حزب باید بعنوان نیروی قادر به کسب قدرت و حفظ قدرت سیاسی در يك سطح وسیع در جامعه شناخته شود. و این امریست که باید با اتکا به رهبران و شخصیت‌های تلویزیونها و رسانه های جمعی و با برجسته کردن چهره رادیکال و انسانی و ماکسیمالیست حزب متحقق شود. "حزب باید پرچم سوسیالیسم را در میدان شهر بکوبد" و اجتماعا از جانب طبقه کارگر و توده های مردم انتخاب شود. این ویژگی کمونیسم کارگری و تفاوت اساسی آن از چپ سنتی بی ربط به





قدرت سیاسی است. این ویژگی در بخش وظایف سراسری حزب به وظایف مشخص ترجمه شده است. وظایفی که مستقیماً باید از طرف خود رهبری انجام شود و نقش بسیار تعیین کننده ای در امر رهبری انقلاب ایفا میکند. در بخش دیگر وظایف حزب در رهبری محلی مبارزات، در اعتراضات و مبارزات جاری توضیح داده شده است. این بخش اساساً بر بحث حزب و جامعه و مشخصاً قطعنامه "ابراز وجود اجتماعی فعالین چپ ... مصوب پنجم بیستم مبتنی است. در کنگره چهارم هنوز بحث "ابراز وجود اجتماعی..." مطرح نشده بود و لذا لازم بود که نتایج عملی مشخص این بحث و رابطه آن با سازماندهی انقلاب توضیح داد شود. در بخش رهبری محلی مبارزات به این ضرورت پاسخ گفته شده است. در مجموع میتوان گفت که در دو قطعنامه مصوب کنگره پنجم در رابطه با استراتژی حزب مبانی نظری و رؤس وظایف ما در رابطه با رهبری انقلاب و تصرف قدرت سیاسی به نحو جامع و مشروحی بیان شده و نقشه عمل روشنی در عرصه های مختلف مبارزه در مقابل رهبری و کل بدنه حزب و همچنین همه فعالین چپ در جامعه قرار داده شده است.

انترناسیونال: تا چه حد مباحث و اختلاف نظرات جاری حزب در تدوین و طرح این قطعنامه ها تاثیر داشته است؟ آیا رد پای این مباحث در قطعنامه ها هست؟

حمید تقوانی: ضرورت طرح و تصویب قطعنامه های کنگره پنجم روشن کردن وظایف عاجلی است که حزب ما رو به جامعه و در رابطه با انقلاب در ایران پیش رو دارد. از اینرو طرح و تصویب این اسناد مستقیماً به مباحثات و اختلافات نظری اخیر در حزب مربوط نمیشود. اما از آنجا که در محور این مباحثات استراتژی حزب برای تصرف قدرت سیاسی و جنبش انقلابی در ایران قرار داشت در تزه ها و احکام پایه ای این قطعنامه ها خواه ناخواه نقد دیدگاه راست در برخورد به انقلاب و سوسیالیسم نیز مستتر است. ما شاهد آن بودیم که در مباحث درونی حتی قطعنامه چشم انداز انقلاب مصوب کنگره چهارم از جانب گرایش راست بزیر

سؤال رفت. گفته شد انقلابی در کار نیست و اگر هم باشد کمونیستها را بقدرت نمیرساند. یک وظیفه کنگره پنجم تعیین تکلیف با این نوع نظرات بود. کنگره قطعنامه مشخصی در رابطه با انشعاب راست و در نقد این نظرات تصویب کرد. اما قطعنامه های مربوط به استراتژی حزب را نیز میشود پاسخ عملی و اجتماعی حزب به نظرات راست دانست. این قطعنامه ها اثباتاً و با تاکید بر فوریت سوسیالیسم و سازماندهی انقلاب سوسیالیستی در واقع بر پراتیک انقلابی و کمونیستی تاکنونی حزب پای فشرده اند و افق و چشم انداز راست را در عرصه عملکرد و پراتیک حزب نیز نقد و طرد کردند.

انترناسیونال: چرا مطلوبترین راه سرنگونی رژیم اسلامی انقلاب تحت رهبری حزب است؟ اگر روند رویدادها با این سناریوی مطلوب حزب پیش نرود، چه میزان آمادگی برای سناریوهای دیگر در استراتژی حزب منظور شده است؟

حمید تقوانی: انقلاب مطلوب ترین راه است به این دلیل که نیروی محرکه و تعیین کننده آنرا خود مردم کارگران و زنان و جوانان تشکیل میدهند. بخاطر آنکه آمال و اهداف مردم، آزادی و برابری و رفاه و تنها نظامی که میتواند این اهداف را متحقق کند، یعنی جمهوری سوسیالیستی، تنها میتواند به همت و اراده کارگران و مردم متشکل و آگاه حول آلترناتیو کارگران ایجاد شود و نتیجه یک انقلاب پیروزمند باشد. هیچ تحول دیگر و هیچ نوع دست بدست شدن قدرت بدون انقلاب و بدون ایفای نقش وسیع کارگران و توده مردم به آزادی و رفاهانی مردم منجر نخواهد شد. این تنها یک ادعا نیست وضعیت عینی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در جامعه ایران چنین حکم میکند. انقلاب بهترین راه است به این خاطر که بر خلاف آنچه اپوزیسیون راست تبلیغ میکند مسالمت آمیزترین و متمدانه ترین راه سرنگونی جمهوری اسلامی نیز هست. هر نوع تغییری در قدرت سیاسی که از بالای سر مردم و بدون ایفای نقش آنها صورت بگیرد یا جامعه را بطرف سناریوی سیاه سوق خواهد داد و یا در بهترین حالت به یک نوع حکومت خشن پلیسی و میلیتاریستی منجر خواهد

شد که سرکوب مردم و به بند کشیدن جامعه اولین هدفش خواهد بود. به همین خاطر قطعنامه های مصوب کنگره بر تداوم انقلاب و در صحنه نگاهداشتن مردم و مقابله انقلابی با هر حکومت بورژوازی که ممکن است بجای جمهوری اسلامی بنشینند تاکید میکنند.

در رابطه با بخش دوم سئوالتان در مورد آمادگی برای مقابله با سناریوهای دیگر همانطور که در قطعنامه "حزب و قدرت سیاسی بعد از سرنگونی..." تصریح شده حزب ما در هر شرایطی سازماندهی انقلاب برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی را تعقیب میکند. بعبارت دیگر انجام وظایفی که در قطعنامه استراتژی بیان شده نه تنها برای انقلاب بلکه برای وقوع هر احتمال دیگری ما را آماده و در صحنه نگاه میدارد. ما تنها با آماده شدن برای تحقق سناریوی مطلوب خود میتوانیم هم این احتمال را به واقعیت بدل کنیم و هم برای هر شرایطی دیگری آماده باشیم. در هر سناریوی دیگری که منجر به سقوط حکومت اسلامی شود با احتمال زیاد حکومت جانشین آن براحتی و به سرعت قادر به کنترل و مهار جامعه و مردم معترض نخواهد بود و نوعی فضای باز در جامعه ایجاد خواهد شد، و این به حزب ما امکان میدهد فعالیتهای خود را در امر سازماندهی و رهبری مردم سریعتر و در ابعاد وسیعتری به پیش ببرد. ما اجازه نخواهیم داد هیچ نوع حکومت بورژوازی در ایران خود را تثبیت کند و دوباره بساط دیکتاتوری کار ارزان و کار خاموش را در جامعه پهن کند. جمهوری اسلامی وحشی ترین، فجیع ترین و شنیع ترین حکومت بورژوازی ایران است، باید آخرین آن نیز باشد.

انترناسیونال: بحث شما در باره حزب و جامعه در ایران و تعیین بخشی به رهبران چپ و سوسیالیست بازتاب بسیار مثبتی در ایران داشته است. مرتباً از جانب فعالین حزب در داخل کشور مطرح میشود که حزب باید این بحث را دنبال کند. آیا باید مراحل دقیقتری در این زمینه تعریف و تبیین شوند یا جوانب پراتیکی تری باید هنوز اتخاذ شود؟

حمید تقوانی: به نظر من از لحاظ نظری مبانی و اجزای این بحث به اندازه کافی توضیح داده شده است. و همانطور که اشاره کردید در سطح

عملی نیز از جانب فعالین چپ بویژه در جنبش کارگری اتخاذ شده و مانند نمونه کمپین علیه دستگیری فعالین کارگری در اول مه در سقز، به نتایج مثبتی نیز رسیده است. اکنون باید از این سطح فراتر رفت و در ابعاد وسیع تری این نقشه عمل را پیاده کرد. یک اقدام عاجل حزب در این جهت، بدست دادن الگوها و نمونه های عملی و قابل اجرا در شرایط مشخص امروز است. مسائل مشخصی که میتوانند موضوع کمپینها و تشکلهای باشند، طرح خواستها و مطالبات معین در رابطه با این مسائل در بیانیه ها و قطعنامه های علنی، انتشار وسیع آنها و جلب حمایت از سازمانهای کارگری و مترقی و انساندوست بین المللی و غیره و غیره، تمام این جوانب مشخص کار میتواند و باید راساً بوسیله حزب ما مطرح شود و اجزای عملی آن به فعالین توضیح داده شود. نمونه تعقیب قاتلین کارگران خاتون آباد، پیگیری مساله زلزله زدگان بم، پیگیری موارد مشخص صدمات جانی و جسمی و روانی که به کارگران در حین کار وارد می آید، اعلام نام و مشخصات کسانی که در اعتراضات و در شورشهای شهری جان خود را از دست میدهند که آخرین نمونه اش همین دو روز قبل در نورآباد مسمنی اتفاق افتاد و ده ها مورد دیگر، همه اینها میتوانند موضوع کمپینها، ایجاد کمیته ها و مجامع عمومی و انواع تشکلهای مبارزاتی، و محمل مرتبط کردن و متشکل کردن مردم معترض در عرصه های مختلف و در یک سطح نسبتاً وسیع باشند. حزب ما باید بیش از گذشته فعالیت خود را بر چنین نمونه های عملی متمرکز کند و به این ترتیب راه پیشروی را به فعالین در جنبش کارگری و در مبارزه جوانان و زنان و معلمان و پرستاران و دیگر بخشهای

معترض جامعه نشان بدهد و هموار سازد.

انترناسیونال: پیام و فراخوان کنگره پنجم خطاب به جنبش آزادی و برابری چه بود؟

حمید تقوانی: پیام کنگره در یک جمله گرد آمدن به دور پرچم حزب برای ساختن انقلاب آتی در ایران بود. کنگره این پرچم و نحوه گرد آمدن حول آنرا در سطح مشخص تر و دقیقتری از گذشته تعریف و اعلام کرد. انقلاب و سوسیالیسم و نحوه تحقق و به پیروزی رساندن آن مضمون مباحث و قطعنامه های کنگره بود. کنگره بر سوسیالیسم بعنوان راه حل عاجل، عملی و فوری مسائل و مشکلات مردم ایران و بر انقلاب بعنوان یگانه راه رسیدن به سوسیالیسم، تاکید کرد. کنگره نشان داد که چگونه میتوان و باید از همین امروز دست اندر کار ساختن و رهبری کردن انقلاب برای سرنگونی حکومت اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی شد و در قطعنامه ها و نقشه عملهای روشنی این راه را قدم قدم تعریف و تدقیق کرد. به نظر من نفس وجود چنین کنگره ای با شور و اشتیاق شرکت کنندگانش، با پیامهای گرمی که از فعالین حزبی در نقاط مختلف ایران از قبل از برگزاری و در حین کنگره بدست ما میرسید و با سخنرانیها و مصوبات رادیکال و شفاف و روشن اش یک گام بزرگ در پیشروی جنبش آزادی و برابری در ایران به شمار میروید. این در واقع کنگره جنبش آزادی و برابری، کنگره انقلاب و کنگره بشارت دهنده سوسیالیسم در ایران بود. من از جانب کنگره پنجم همه فعالین و دست اندر کاران جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی دیگر را به پیوستن به حزب و سازماندهی انقلاب حول پرچم حزب فرا میخوانم. *

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: horizontal

اوضاع سیاسی ایران

گفتگو با اصغر کریمی

انترناسیونال: در این هفته مردم تهران در ابعاد هزاران نفره به خیابانها ریختند. چه برسر سیاست بگیر و ببند و نظامی کردن خیابانها توسط جمهوری اسلامی آمد؟

اصغر کریمی: با حضور هزاران نفره مردم در خیابانهای تهران و چند شهر دیگر، مردم سیاست رژیم را نقش بر آب کردند. چنان نیروهای رژیم درمانده بودند که جرات عکس العمل زیادی پیدا نکردند. این اعتراض مقدمه اعتراضات بزرگتری خواهد شد. اگر توجه کنیم که همزمان در بندرعباس و نورآباد ممسنی هم مردم دست به اعتراضات هزاران نفره زده اند و پرستاران و معلمان جنب و جوش تازه ای شروع کرده اند بیشتر متوجه ابعاد تحرك مردم خواهیم شد. مساله این است که جنبشی برای سرنگونی حکومت اسلامی وجود دارد که روز بروز بر عمق و دامنه آن افزوده میشود. این جنبش که با یک بگیر و ببند از بین نرفته است. یک جنبش اجتماعی را یا باید در همان سطح سرکوب کرد و به خاک و خون کشید و یا خواستههایش را پاسخ داد تا بتوان از تغییر موقعیت آن جنبش، سرکوب آن و یا کوتاه آمدنش صحبت کرد. جمهوری اسلامی نه توان شکست این جنبش را دارد و نه توان پاسخگویی به هیچکدام از مطالبات آنرا. از لغو حجاب و آپارتاید جنسی و رهائی فرهنگی تا آزادی بیان و عقیده و اعتصاب، تا افزایش دستمزدها و رفاه و گسترش خدمات و دهها خواست و مطالبه ریز و درشت دیگر هست که هیچکدامش را رژیم نمیتواند برآورده کند. این بحران آخر رژیم است و مرحله سیاسی دیگری بدنال آن نخواهیم داشت. جمهوری اسلامی با هیچ سیاستی به طرف ثبات نخواهد رفت. این ناآرامی ها، اعتراضات مردم و انقلاب مردم است که روز بروز بیشتر چهره جامعه را شکل میدهد. در چنین شرایطی سیاست بگیر و ببند چند هفته بیشتر دوام نمیآورد.

انترناسیونال: اینبار پرچم سرخ در

سرنگونی و آزادی و برابری گرفته است. اینکه امروز شارلاتانی بنام اهورا بجای رضا پهلوی فضا پیدا میکند، هرچند برای چندصباحی بیش نیست، بیانگر بی مایگی اپوزیسیون راست است. راست نه برنامه روشنی دارد، نه تحزب قوام یافته ای و نه رهبران و چهره های قابل اعتنا و قابل اعتمادی.

به فاکتور مهم دیگری هم اینجا باید اشاره کرد و آن نقش تلویزیون انترناسیونال است. با راه افتادن تلویزیون انترناسیونال در ماههای اخیر، کمونیسم کارگری اهرم بسیار نیرومندی برای نفوذ در اعماق جامعه، یافته است. بساط سرکوب و اعدام و خفقان، قبل از هرچیز برای دور کردن مردم از کمونیستها و ایده های زیر و رو کننده آنها بود. ما اما سد سانسور را شکسته ایم، خود را به جامعه، به مردم تشنه حرفهای رادیکال رسانده ایم، خود را در دسترس جوانان ضدمذهب و ضدفرهنگ عزا و عقب مانده، اکثریت بسته آمده از فقر و بیکاری و اجحافات سرمایه داران، زنان متنفذ از نابرابری و بیحقوقی و تبعیض، مردمی که برای سرنگونی یک حکومت بغایت متحجر و عقب مانده و جنایتکار روزشماری میکنند، قرار داده ایم. آنتن های بشقابی پشت بامها که رژیم در جمع کردنشان بارها و بارها مژه شکست را چشیده است، دارند ایده های انسانی و آزادیخواهانه کمونیستها را میگیرند و به اعماق جامعه میبرند این ایده ها دارد توسط مردم هضم میشود و به فرهنگ و خودآگاهی شان تبدیل میشود. فضای جامعه سرعت عوض میشود. جامعه به چه نیاز دارد و آنرا پیدا کرده است و به گرد آن حلقه میزند. این حقیقت سالها و ماههای اخیر جامعه ایران است که خیلی ها دوست ندارند آنرا باور کنند. بنظر من امروز در میان مردم موقعیت کمونیسم کارگری از هر جریان راستی مستحکم تر شده است. ایده های کمونیستی سرعت جای خود را در میان بخشهای وسیعتری باز میکنند و این روند را نه جمهوری اسلامی و نه جریانات اپوزیسیون راست نمیتوانند مهار کنند. ممکن است قدرت آکسیون و فراخوانی جریانات راست بسیار از قدرت کمونیسم کارگری بیشتر باشد، این ناشی از نفوذ فکری و سیاسی آنها نیست امری مربوط به توازن قوای بین مردم و حکومت

است. مردمی که به فراخوان راست هم به خیابان بیایند شعارهای چپ میدهند. این به فاکتور تشبیت شده ای تبدیل شده است. حزب کمونیست کارگری تضمین میکند که انقلاب آتی ایران يك انقلاب کارگری، يك انقلاب کمونیستی باشد.

انترناسیونال: حزب چه سیاستی در قبال اوضاع امروز ایران دارد؟

تأمین رهبری حزب بر اعتراضات مردم چگونه تأمین میشود؟

اصغر کریمی: قبل از هرچیز با دخالت فعال در اعتراضات، با گسترش حضور حزب و دسترسی حزب به مردم و مردم به حزب. تشخیص اوضاع و ارائه سیاست ها و تاکتیک های مناسب در هر مقطع. گسترش حضور و همه این فاکتورها بر متن حفظ رادیکالیسم حزب. بنظر من در میان این فاکتورها، باید بر يك فاکتور تأکید بیشتری گذاشت و آن با چشم باز نگاه کردن به اوضاع بشدت متحول و اتخاذ تاکتیک های مناسب برای هر مقطع است. تاکتیک هائی که امکان عملی شدن آنها وجود دارد، برای توده وسیعی از مردم قابل بدست گرفتن است و در عین حال در راستای اصول، سیاست ها و اهداف حزب است و این هوشیاری سیاسی ویژه ای از حزب طلب میکند.

انترناسیونال: کمپ راست اپوزیسیون آرزوی قلبی مردم ایران علیه وضع موجود را میشناسد و تلاش میکند کنترل شده از آن استفاده کند. تاکتیک حزب در جدال وسیعتر چپ و راست در جامعه و جنگ افکها و آلترناتیوها در شرایط حاضر کدامست؟

اصغر کریمی: این سیاست همیشگی جریانات بورژوازی است که تلاش کنند سوار مبارزات و جانفشانی های مردم بشوند و لازمه اینکار مهار اعتراض مردم و تلاش برای تغییر و تحول از بالا است. راست نماینده اعتراض و انقلاب مردم نیست، برعکس مانع آن است. مانع ابتکارات انقلابی مردم و شعارهای آزادیخواهانه مردم است. خواسته های نیم بندی را پیش میکشد و اشکال بی خطری از اعتراض مثل نافرمانی مدنی را جلو مردم میگذارد، تا توجه آنها را جلب کند و خود را نماینده آنها جا بزند. راست قادر نیست روند کنونی را مهار کند، ناچار مردم را به خیابان دعوت

میکند اما تلاش میکند اعتراض آنها و شعارهای آنها را کنترل کند و در قالب محدودی نگهدارد. اما مردم گوش نمیدهند، قالبها را میشکنند و ایستگاههایی را که راست تعریف میکند یکی یکی پشت سر میگذارند. حزب باید ضمن تلاش برای رهبری اعتراض مردم و حضور فعال در همه اعتراضات و بزنگاههای سیاسی، همزمان سیاست جریانات راست را افشا کند و مردم را بطور روزمره از خط مشی ها و سیاست های این جریانات دور کند.

انترناسیونال: نقش طبقه کارگر، جنبش اعتراضی معلمان، جنبش ضد آپارتاید جنسی و جنبش جوانان در این مقطع کدامند؟ چه عاملی کل نیروی جنبش آزادی و برابری را به هم گره میزند و در تقابل با جمهوری اسلامی به جلو میراند؟

اصغر کریمی: این جنبش ها هرکدام نقشی مهم و اساسی را در تحولات سیاسی دارند و اجزاء مکمل جنبش سرنگونی و جنبش آزادیخواهانه و انقلابی مردم برای انداختن رژیم اسلامی هستند. انقلاب ایران يك انقلاب زنانه است و جوانان هم نسل شکست نخوردگان هستند. اینها نیروی پیشتاز، پرتحرک، پرتوقع، مدرن و ضدمذهب و اسلام اند و نیروی مهم انقلاب به حساب میآیند. در عین حال بخش اعظم زنان و جوانان از اقشار محروم و زحمتکش جامعه و بخشی از طبقه کارگرند. در میان کارگران نیز نسل جوان روحیه رزمنده تری دارد. بیکاری و بیکارسازی گسترده، کار دوم و سوم برای تأمین معاش، در کنار عنصر خفقان موانع بزرگی برای متشکل شدن کارگران ایجاد کرده است. اما طبقه کارگر با اتکا با تجارب تاریخی خود و با توجه به قدرت جریان سوسیالیستی و کمونیسم کارگری در صفوف خود با اولین برآمد مبارزات توده ای سرعت بر این ضعف تاریخی خود غلبه خواهد کرد و این خلاء را سرعت پرخواهد کرد. در شرایط کنونی حزب با تمام قوا تلاش میکند تا فعالین و رهبران سوسیالیست و کمونیست در میان کارگران موقعیت اجتماعی بیشتری در میان کل طبقه کارگر و در کل جامعه پیدا کنند. بهردرجه این

در گرامیداشت جانباختگان نور آباد ممسنی و بندرعباس

اصغر کریمی

مبارزاتی تبدیل میکند. این وظیفه فعالین جنبش های اعتراضی و افراد پیشرو و آزادیخواه در نورآباد ممسنی و بندرعباس و در سراسر کشور است که در کارخانه و مدرسه و دانشگاه و محله خود، دوستان و همکاران خود را به شرکت در این مراسمها و یا ارسال پیامهای همبستگی تشویق کنند و آنرا سازمان دهند. میتوان در کلاس درس و یا محل کار به احترام جانباختگان دقایقی سکوت کرد و پیامی جمعی تهیه کرد. میتوان خیلی کارها کرد. حزب کمونیست کارگری پیامهای همبستگی شما را از رسانه های خود منعکس میکند تا به گوش همه مردم برسد. پیامهایتان را برای ما بفرستید. گرامی باد یاد شهاب حسینی، فرهادی، علی داوودی، غلام داوودی و حبش آزادی. *

بزرگ و باشکوه برای آنها سازمان دهند، از آنها پوستر درست کنند و همه جا بچسباند، مراسم دفن آنها و سایر مراسم های آنها را به اجتماعات بزرگ سیاسی علیه قاتلین آنها تبدیل کنند و مردم این شهرها و سایر شهرها را برای شرکت در این اجتماعات دعوت کنند. کسی نمیتواند این عزیزان را به خانواده هایشان برگرداند اما میتوان با اعلام همبستگی، با تجمع در مقابل منزل آنها و اهدای شاخه های گل به بازماندگان آنها، با ارسال پیامهای همبستگی و یا نامه های محبت آمیز، بازماندگان این عزیزان را تسلی داد. این کار گذشته از جنبه بسیار انسانی آن، از نظر سیاسی نیز موجب تحکیم همبستگی مبارزاتی میان مردم میشود، جلو ارباب و سرخوردگی را میگیرد و فضای غم و غزا را به جنب و جوش سیاسی

در جریان اعتراضات مردم نورآباد ممسنی و بندرعباس حداقل شش نفر جان باختند. علی داوودی، غلام داوودی و حبش آزادی در بندرعباس و شهاب حسینی ۱۷ ساله و آقای فرهادی در نورآباد. مشخصات جانباخته دیگر در نورآباد هنوز روشن نشده است. اینها با تیراندازی مستقیم نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی به قتل رسیدند. جرمشان شرکت در اعتراضی عادلانه علیه حکومت اسلامی بود. با این جنایت پرونده سران منفور جمهوری اسلامی سنگین تر شد.

یاد این عزیزان را باید گرامی داشت. رژیم تلاش کرد حتی اسامی آنها جانی درج نشود. در نورآباد رسانه های رژیم نوشتند که یک نفر به قتل رسیده است اما حتی حاضر به اعلام نام او نشدند. این کار مردم است که مراسم های گرامیداشت

کمونیسم قدرت میگیرد و رهبری کمونیستی کارگری شکل میگیرد. در دل اعتصابات و اعتراضات جاری است که میتوان جنبش مجمع عمومی را دامن زد، انواع نهادها، کمیته ها، کمپین ها را سازمان داد، در دل همین اوضاع است که میتوان را پیدا کرد، به هم نزدیک کرد، متشکل کرد، بر فضای اطراف تاثیر گذاشت، توازن قوا را در محیط خود عوض کرد و پیشروی کرد. کافی است جمع کوچکی از کمونیستهای کارگری در یک کارخانه یا محله حضور داشته باشند. با چندماه فعالیت قاعدتا باید اتحاد و همبستگی مردم در آن محل یا کارخانه گسترش یافته باشد، روحیه مبارزاتی بالا رفته باشد، موقعیت زنان در خانواده و در محیط بالا رفته باشد، رفتار خانواده ها و بزرگترها نسبت به کودکان انسانی تر شده باشد، تلقی آدمها و توقعات و انتظاراتشان نسبت به زندگی عوض شده باشد، تعداد کمونیستهای کارگری و حوزه ها و سلول های حزبی افزایش یافته باشد و مردم محل یا کارگران کارخانه به هم یافته تر شده باشند. این مساله باید به همت فعالین کمونیست و کارگران، جوانان و زنان و افراد پیشرو به مشابه یک جنبش در همه کارخانه ها و محلات پا بگردد. این اساس کار کمونیستهای کارگری است. بر متن این نوع فعالیت قدرت عمل و دامنه تاثیرات حزب بیشتر میشود، طبقه کارگر و مردم در موقعیت مناسب تری در مقابل با رژیم و مرتجعین محل قرار میگیرند و حزب نیز در ابعدی باور نکردنی رشد میکند و قدرت میگیرد و بر متن این فعالیت است که قدرت مردم برای اعتصاب و اعتراض و تظاهرات بیشتر میشود. الگوی یک فعال یا یک جمع کمونیست کارگری هم این نوع فعالیت است و هم همزمان شرکت فعال و نقشه مند در اعتراضات و اعتصابات جاری، شناساندن حزب، توزیع ادبیات حزبی، کمونیست کردن و حزبی کردن تعداد آدمهای هرچه بیشتری در محیط کار و زندگی و از این طریق بسط نفوذ کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری. در یک کلام ایجاد تغییر مثبت در فکر و عمل مردم، همه مساله برای کمونیستها تغییر است. کمونیسم کارگری کمونیسم پراتیک است. *

مساله تحقق پیدا کند به همان درجه امر رهبری طبقه کارگر بر انقلاب آتی مسجل تر خواهد شد. پیشروی در این عرصه در عین حال مستقیما به معنی پیشروی حزب کمونیست کارگری خواهد بود. انقلاب به هزاران رهبر سراسری و محلی نیاز دارد، انقلاب هزاران آژیتاتور میخواهد، اگر کارگران و رهبران پیشرو و سوسیالیست در میان بخشهای مختلف جامعه نجینند و این خلاء را پر نکنند، فردا هر بچه آخوند و هر ابن الوقتی، هر قومپرست و مرتجعی میتواند بر گرده مردم سوار شود. امروز در بطن اعتراضات و اعتصابات گسترده ای که در جریان است، در اول مه ها و هشت مارسها، در هیجده تیرها و شانزده آذرها، در اعتراضات شهری حول خدمات اجتماعی و یا در مقابل زورگوییهای مزدوران حکومت اسلامی، بخش پیشرو جنبش کارگری و رهبران سوسیالیست و رادیکال در میان دانشجویان، زنان، جوانان و معلمان و غیره فرصتی پیدا میکنند تا رهبری مردم را بدست گیرند، فرصتی پیدا میکنند تا رهبری انقلاب فردا را تمرین کنند، فرصتی پیدا میکنند تا چه و خم مبارزه توده ای و هدایت آنرا بیاموزند، تمرین آژیتاسیون کنند، به مردم امید و آگاهی بدهند، سازمان بدهند و بدین طریق موقعیت اجتماعی و نفوذ سیاسی و اجتماعی خود را در میان بخشهای هرچه وسیعتری از مردم تحکیم و تقویت کنند. این مساله بنظر من امروز یکی از کلیدی ترین راه پیشروی جنبش کارگری و جنبش کمونیستی کارگری است. اما تحقق این امر نیز امروز تماما به وجود حزب گره خورده است. حزب آن حلقه و فاکتور است که باید تضمین کند که انقلاب آتی را طبقه کارگر رهبری خواهد کرد، که طبقه کارگر هژمونی اش را بر کل مردم ناراضی و محروم و آزادیخواه، بر زنان و جوانان و جنبش خلاصی فرهنگی و ضد مذهبی تامین خواهد کرد.

انترناسیونال: کادرها و فعالین حزب در ایران در شرایط حاضر چه اقداماتی را باید در دستور قرار دهند؟

اصغر کریمی: در دل مبارزات جاری است که انقلاب شکل میگیرد، که کارگران و مردم متشکل میشوند،

از صفحه ۱ ستون اول

ما پرچم آمل و اهداف و خواستهای برحق و انقلابی شما مردم را در دست داریم. مذهب زدانی از دولت و جامعه، برابری کامل زن و مرد، تامین یک زندگی شاد و ملدن و انسانی برای جوانان و برای همگان، رفع تبعیض و نابرابری در تمام سطوح و تحت هر عنوان، ریشه کن کردن استثمار و فقر و فلاکت و تامین یک زندگی مرفه برای همه، لغو آپارتاید جنسی و لغو حجاب اجباری، آزادی زندانیان سیاسی و آزادی بی قید و شرط بیان و اعتصاب و تشکل و تحزب، اینها همه جزئی از خواستها و اهداف همه ماست. ضامن تحقق این خواستها تنها نیروی متحد و متشکل خود ماست. باید آگاهانه و نقشه مند حرکت کرد. متشکل شد و یکپارچه و متحد با پرچم آزادی و برابری و زنده باد جمهوری سوسیالیستی به میدان آمد. نبرد امروز ما حلقه ای از یک مبارزه

عمومی برای تحقق یک دنیای بهتر و انسانی است. باید در کارخانه ها، در دانشگاهها و مدارس و ادارات و محلات و در خیابانها با خواستهای مشخص دست به تعرض زد و حکومت را برای تن دادن به این خواستها تحت فشار قرار داد و بعقب نشینی واداشت. امروز بویژه باید آزادی زندانی سیاسی و لغو حجاب اجباری را سر لوحه مبارزات خود قرار دهیم. حجاب را هر جا که میتوانیم به دور بیندازیم و خود را برای شکستن در زندانها آماده کنیم. با خواست "آزادی زندانیان سیاسی" و "لغو حجاب اجباری" به خیابانها بیایید، این خواستها را بر پلاکاردها و بر دیوارها بنویسید و در راهپیمائیها و تجمعات یک صدا فریاد کنید. تحقق این خواستها میتواند و باید اولین پیروزی ما در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی باشد. فعالین و رهبران مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و پرستاران! به گرد حزب انقلابی خود،

حزب کمونیست کارگری، گرد بیایید و صفوف خود را متحدتر و فشرده تر کنید. آستینها را بالا بزنید و بر متن مبارزات جاری انواع تشکلهای علنی، مجامع عمومی و کمیته ها و جمعهای اعتراضی با اهداف مشخص تعریف شده را در محلات و در کارخانه ها و در محیطهای کار ایجاد کنید. موج اعتراضی اخیر تنها با اتکا به تشکلهای مبارزاتی میتواند ادامه پیدا کند و وسیع تر و قوی تر شود. از تظاهرات و راهپیمائیها و خواستهای عمومی مردم حمایت کنید و از آنان در دفاع از مبارزات مشخص خود حمایت بخواهید. موج اعتراضات توده ای اخیر میتواند و باید به یک حرکت متشکل تر و آگاه تر و همبسته تر منجر شود و جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم را دهها گام بجلو سوق بدهد.

زنده باد آزادی و برابری!
برقرار باد جمهوری سوسیالیستی!
۶ مهرماه ۱۳۸۳

با "کانال جدیدها"

گفتگو با آذر ماجدی و علی جوادی

انترناسیونال: دوره ای حزب در ایران با "کنفرانس برلینی ها" در میان مردم شناخته میشود. امروز "کانال جدیدی ها" هم اضافه شده است. شبکه های تلویزیونی زیادی برای ایران برنامه پخش میکنند، چرا کانال جدید این ویژگی و شهرت را پیدا کرده است؟

علی جوادی: "کانال جدید" تلویزیونی خلاف جریان است. متفاوت و متمایز از سایر شبکه های تلویزیونی. همانطور که ما در کنفرانس برلین صدای جنبش سرنگونی طلبانه مردم بودیم، و به این اعتبار کنفرانس برلینی ها در اوج جنبش ارتجاعی دوم خرداد مترادف شدند با سرنگونی طلبان، کسانی که خواهان سرنگونی تمام و کمال رژیم اسلامی هستند، اکنون نیز "کانال جدید" در ابعاد بسیار گسترده تر تبدیل به فریاد اعتراض مردم آزادیخواه برای یک زندگی بهتر، برای یک زندگی انسانی، برای یک زندگی شاد، فارغ از فقر و فلاکت و استبداد و ستم و نابرابری و استثمار شده است. استقبال از "کانال جدید" استقبال مردم از چپ جامعه است. استقبال و روی آوری به آلترناتیو آزادیبخش و انسانی جامعه برای پایان دادن به سیاهی و تبااهی رژیم اسلامی و گذر از این همه سیاهی و تباهی است. "کانال جدید" اکنون دریچه ای برای یک دنیای بهتر است. این رسانه را با سایر شبکه های تلویزیونی دست راستی و عمدتاً سلطنت طلبی مقایسه کنید. تفاوتها بسیار و چشمگیر است. گذشته را به مردم وعده میدهند. عقب ماندگی و تحجر و مذهب و استثمار را جلوی مردم میگذارند. استقبال از "کانال جدید" طبیعی و قابل انتظار است.

آذر ماجدی: کانال جدید یک پدیده جدید است. در دنیای رسانه های ماهواره ای که از خارج کشور بسوی ایران پخش میشود، کانال جدید با یک چهره متفاوت، زبان متفاوت و فرهنگی کاملاً متفاوت عرض اندام میکند. کانال جدید برای بسیاری از مردم حالت یک نسیم تازه را دارد.

کانال های متفاوت تلویزیونی ماهواره ای بغیر از استثناهایی یکسان هستند. زبان سیاسی - اجتماعی شان یکی است. فرهنگی که نمایندگی میکنند یکی است و جامعه ایران بسیار تغییر کرده است. یک جامعه متحول و پر جوش و خروش است. التهاب و تب و تاب که در جامعه وجود دارد فقط سیاسی نیست. مناسبات و پایه های فکری، ارزشی و فرهنگی جامعه دارد به زیر سوال میرود، از ارزشهای کهن و ریشه دار مردسالاری تا فرهنگ و موزیک و هنر و مد همگی زیر سوال اند. نسل جوان، بخصوص، امیال و خواسته های کاملاً متفاوتی دارد. کانال جدید با این امیال و خواسته ها منطبق میشود و ارزشها و معیارها و نرم های حاکم در جامعه را بشکلی رادیکال به نقد می کشد. این خصلت به کانال جدید جذابیت خاصی می دهد. از برنامه های سیاسی - اجتماعی کانال جدید، از جمله تلویزیون انترناسیونال، آزادی زن، همبستگی و غیره تا برنامه های تفریحی که در این کانال پخش میشود جدید است و از جنسی دیگر است. بعنوان یک مجموعه وقتی به کانال جدید نگاه می کنید یک دنیای جدید می بینید.

و آنگاه در این مجموعه متفاوت و نوین برنامه های سیاسی - اجتماعی ما افکار جدیدی را به خانه های مردم برده است. هر شب مردم با افکار جدیدی مواجه میشوند، نگرش متفاوت به نظم اجتماعی، عدالت و آزادی و برابری، موقعیت زن در جامعه، فرهنگ آزاد و برابر، موقعیت کودک، مذهب و بسیاری مقولات دیگر. باین خاطر است که اکنون شاهدیم که یک لغت جدید به فرهنگ لغات مردم اضافه شده است: «کانال جدیدی ها»، این ترم معانی و تعابیر مختلفی را در اذهان متبادر میکند که بنظر من فقط سیاسی نیست. درست است که کانال جدیدی ها یعنی کمونیست کارگری ها، ولی این ترم فقط

سیاسی نیست. کمونیست کارگری ها معنای مشخص سیاسی دارد، ولی کانال جدیدی ها در اذهان مردم همه جانبه تر است و کلیت جامعه و فرهنگ را نیز در بر میگیرد. مردم از طریق کانال جدید چهره کامل کمونیسم کارگری را دارند می بینند و برایشان جذاب است، تازه است و دوستش دارند.

انترناسیونال: با توجه به استقبال زیاد مردم چرا در ایران خبرنگار ندارید؟

علی جوادی: مسلماً خبرنگاران ما در این شرایط با کارت رسمی "کانال جدید" در تجمعات و اعتراضات پیدا نخواهید کرد. ما مدت کوتاهی است که شروع به فعالیت کرده ایم. هنوز دوران آغازین کار خود را از سر میگذرانیم. شش ماه در طول عمر یک تلویزیون دوران کوتاهی است. ما در این مدت انرژی زیادی صرف فراگیری کارهای تکنیکی و فنی راه اندازی یک تلویزیون ماهواره ای کردیم. تجربه از پیشی در این زمینه نداشتیم. همه چیز را از صفر شروع کردیم. اما داریم به سرعت به این جنبه از کارمان نیز در "کانال جدید" سر و سامان میدهم. نقشه و برنامه های ویژه ای برای گسترش و بهبود فعالیت در این زمینه داریم. در همین دوران کوتاه ما خبرنگاران بسیاری در ایران پیدا کرده ایم. علیرغم جو اختناق و سانسور رژیم آدکشان اسلامی، بسیاری به ما ایمیل میزنند، تلفن میزنند، به ما گزارش های خبری میدهند. ارتباط و تماس با ما مرتب رو به گسترش است.

بسیاری از ما میپرسند که برای "کانال جدید" چه میتوانند بکنند؟ اجازه دهید از این فرصت استفاده کنم و مختصراً به این سؤال پاسخ دهم. ما از همه دوستداران "کانال جدید" میخواهیم که برای ما گزارش زنده و حتی المقدور تصویری تهیه کنند. اگر امکان دارند اعتراض مردم به وضعیت موجود را به تصویر بکشند. این فیلم ها و عکسها را بصورت دیجیتال برایمان ارسال کنند. هر اعتراضی باید گزارش شود. اما این یک بخش از گزارشگری برای تلویزیون است. از طرف دیگر هر دوستدار "کانال جدید" میتواند مسائل و مباحث

محیط پیرامونی خود را برای ما گزارش کند. بهرحال کارهای بسیاری میتوان کرد. میزان خلاقیتها و ابتکارات فردی را محدودیتی نیست. هر دوستدار "کانال جدید" میتواند مجموعه ای از اقدامات را در دستور خود قرار دهد.

انترناسیونال: نامه های زیادی مرتباً از بینندگان تی وی میرسد و عمدتاً استقبال میکنند. مخالفین چه میگویند؟ مخالفتها از چه زاویه ای است و تا چه حد حق بجانب آنهاست؟

آذر ماجدی: راستش من شخصاً نامه های مخالف چندانی نگرفته ام. برخی هستند که فرضاً از ما خواسته اند موزیک و سرود انقلابی پخش کنیم. ولی عموم نامه ها توافق نظر با نظرات و نقدهای ما در برنامه های ما مطرح میشود. نظرات خودشان را در مورد مباحث مینویسند، گزارش مینویسند، میخواهند فرضاً در نقد مذهب بیشتر برنامه داشته باشیم، سوالاتشان را جواب دهیم که بسیاری درباره سوسیالیسم و مذهب و غیره است. نامه ها بیشتر از موضعی سیاسی است و یا در رابطه با وضع زنان در جامعه است.

انترناسیونال: رمز موفقیت تلویزیون انترناسیونال و یک دنیای بهتر و برنامه های مختلف را از چه زاویه ای ارزیابی میکنید؟ کمبودها کدامند و برنامه تان برای تبدیل شدن به تریبون و سیمای ده ها میلیون چيست؟

علی جوادی: برای ارزیابی از موفقیت تا کنونی برنامه های تلویزیون کانال جدید باید به محتوا و چگونگی ارائه برنامه ها پرداخت. آنچه ما ارائه میدهم حرف دل مردم است. جوانی که از این زندگی خفقان آور به تنگ آمده است. زن و مردی که خواهان نابودی ستم و تبعیض علیه زنان هستند. کارگری که سهمش را از زندگی و انسانیت میخواهد. سالمندی که نمیخواهد با پایان دوران کارش به گوشه ای پرتاب شود. برنامه های کانال جدید بیان آرزوهای سرکوب شده و خفته این مردم است که فورموله و منسجم و روشن ارائه میشود. این اساس تمایز ما با سایر رسانه های تصویری است. از طرف دیگر شکل و

چگونگی ارائه این خواستها نیز بسیار امروزی و مدرن است. هر چند که امکانات فنی و تولیدی ما نسبت به سایرین محدود تر است، اما گستردگی افق و تفاوتها، ما را در انتظار مردم در جابجگاه کاملاً متفاوتی قرار میدهد.

پرسیدید کمبودها کدامند؟ کمبودها بسیارند. علت این کمبودها اساساً محدودیت مالی هستند. اما علاوه بر کمبود مالی، ما هنوز آن چیزی نیستیم که خودمان از خودمان انتظار داریم و یا برای مخاطبینمان میخواهیم. از بینندگانمان هم انتظار نداریم که سطح توقعشان را پایین بیاورند. اگر بخوایم در سطحی وارد جزئیات شوم باید لیست طولی به شما ارائه دهم. بطور مختصر: ۱- تلویزیون ما هنوز "زنده" نیست. هنوز برنامه ها ضبط میشوند و پس از چند ساعت پخش میشوند. هر چه سریعتر این فاصله را باید از بین برد. تولید "زنده" امکان تماس مستقیم با برنامه ساز را میدهد که به نوع خود جذاب است. ۲- تولید برنامه های روزمره را باید افزایش داد. باید تولید هر روز را حداقل به ۸ ساعت در روز رساند. باید تولید برنامه های نقد ادبی، هنری و تاریخی و همچنین جل میان جریانات سیاسی را سرعت سازمان داد. ۳- تنوع برنامه ها را باید گسترش داد. بدین منظور در صددیم با توجه به پراکندگی جغرافیایی بسیاری از کسانی که قادر به تولید برنامه هستند با امکانات فنی پیشرفته به مرکز استودیو متصل کنیم.

اما برای پی بردن به رمز موفقیت برنامه سازان خواهش میکنم این سؤال را در مقابل آذر ماجدی قرار دهید. آذر ماجدی در مدت کوتاهی فرسنگها راه در این زمینه پیموده است. اکنون به یک برنامه ساز بسیار محبوب و خیره کننده تبدیل شده است.

آذر ماجدی: همانطور که در بالا اشاره کردم، تلویزیون انترناسیونال حکم یک نسیم تازه را دارد. مردم پاسخ بسیاری از سوالاتشان را از تلویزیون انترناسیونال می گیرند، در مورد اوضاع سیاسی، درباره تغییر نظم حاکم، وضعیت زنان، عدالت، رفاه، آزادی و بسیار مقولات پایه ای



انترناسیونال: تا چه اندازه به تنوع

در فرم و حرفه ای شدن فکر میکنید و چه طریخی دارید؟

علی جوادی: کارشناسان فنی و تخصصی این عرصه از کار معمولا توجه زیادی به فرم و قالب ارائه برنامه دارند. میگویند فرم و چگونگی ارائه ۹۰٪ جذابیت و مقبولیت برنامه را تعیین میکنند. اگر حتی به این رقم باور نداشته باشیم باید گفت که شکل ارائه و فرم نقش تعیین کننده ای در نگاهداشتن بیننده دارد. بیننده دارای امکان انتخاب است. کانالهای بسیاری موجودند. اساس مقبولیت ما محتوای سیاسی کارمان است، اما این محتوا را باید در فرم مقبول و جذاب ارائه کرد. در این زمینه هم پیشرفتهایی داشته ایم و هم کمبودهایی داریم. تولید خارج از استودیو را باید افزایش داد. از قطعات تصویری (footage) بیشتری باید در برنامه استفاده کرد. محدود شدن به فضای استودیو اصولا خسته کننده است. برنامه های تولیدی تلویزیون را نباید فقط به میزگرد محدود کرد. مصاحبه های تلفنی را باید محدود تر کرد. باید با گسترش امکانات تکنولوژیکی امکان مصاحبه های تصویری بیشتری را فراهم کنیم. به میزانی که امکانات مالی و فنی اجازه دهند بهبودهایی را در این عرصه ها ایجاد خواهیم کرد.

انترناسیونال: فکر نمیکنید هنوز

مقداری زیادی به زبان توده ای تر باید نزدیک شوید؟

آذر ماجدی: من راستش این مقوله را درک نمیکنم. زبان توده ای به چه معناست؟ زبان مردم را میشود باین معنا فهمید که حرف دلشان را بزنید، امیال شان، خواستههایشان، آرزوهایشان، و دردهایشان را بیان کنید، بنظر ما باندازه زیادی اینکار را میکنیم. باید بیشتر این کار را انجام دهیم؟ گفتیم همیشه جا برای پیشرفت و بهبود وجود دارد. باید فرهنگ لغات متفاوتی را استفاده کنیم؟ عامیانه تر حرف بزنیم؟ زبان کوچه و بازار را استفاده کنیم؟ من با این روش مشکل دارم. باید ساده حرف زد، مقولات را نباید غامض کرد و به زبان غامض حتما نباید حرف زد. از کلیشه باید پرهیز کرد. اینها را من شخصا تلاش میکنم در

نظر بگیرم. ولی بعضی اوقات وقتی از زبان «توده» صحبت میشود، نیات، پرهیز از وارد شدن به مقولاتی پایه ای و اساسی است. ما باید درباره همه چی صحبت کنیم ولی تلاش کنیم که مقولات پیچیده تر را توضیح دهیم. مساله اینست که با مردم ارتباط برقرار کنیم، با مردم راحت باشیم، وقتی آنها تلویزیون را می بینند، این احساس را داشته باشند که بطور مستقیم مورد خطاب قرار گرفته اند و داریم با آنها حرف میزنیم. اینها مسائل مهمی است که فکر میکنم تا حدودی در آن موفق بوده ایم. از نامه ها و نظراتی که اینجا و آنجا درباره برنامه ها گفته میشود، میشود نتیجه گرفت که مردم راضی اند.

انترناسیونال: چگونه باید به

تلویزیونی که کمونیسیم و خوشبختی را برای بشر امروز و به زبان ساده تبلیغ میکند تبدیل شد؟

علی جوادی: ما توانسته ایم در این مدت کوتاه پیشرویهای قابل ملاحظه ای در این زمینه بکنیم. محبوبیت «کانال جدید» دلیلی بر این ادعای ماست. اما فاصله کنونی ما تا هدف مورد نظر کماکان زیاد است. کارهای بسیاری باید کرد. اما اجازه دهید در زمینه «زبان» تلویزیون چند کلمه ای بگویم. علی العموم زبان ما غامض و پیچیده نیست. از طرف دیگر نمیشود انتظار داشت که تمامی برنامه ها به زبانی ساده ارائه داده شود. بطور ایده آل تلویزیون دارای برنامه های متنوعی است که سطوح متفاوتی از پیچیدگی را، موضوع مورد بحث و پیچیدگی سوژه و تا حدودی نحوه ارائه و مفاهیمی را که به کار برده میشود، را تعیین میکند. اما در نهایت این قدرت مصاحبه شونده و یا برنامه ساز است که مفاهیم عمیق و پیچیده را به زبانی ساده و قابل فهم همگان توضیح و ارائه دهد. کاری که مدیریت تلویزیون میتواند انجام دهد این است که در هماهنگی با برنامه سازان کاری کند تا سوژه ها و مباحث مورد بحث برای بینندگان قابل فهم، با اهمیت و تعیین کننده باشند. تلویزیون باید برنامه های دندان گیر و به فکر فرو بر در کنار برنامه های تفریحی به بینندگان ارائه دهد. ما برنامه های زیادی در دستور داریم که بتدریج ارائه خواهیم

کرد. اجازه دهید در این زمینه بعدا مفصل تر گفتگو کنیم.

انترناسیونال: وقتی توقعی در

میان مردم شکل گرفت دیگر پائین آوردن آن کار ساده ای نیست. با معضل مالی چکار میکنید و برای رفع دراز مدت آن چه برنامه ای دارید؟

آذر ماجدی: مساله مالی مهمترین معضل ماست. تاکنون تلویزیون با کمک های مالی علاقمندان و دوستدارانش جلو رفته است. باید این علاقه را بیک منبع مهم تامین مالی بدل کنیم. کمپین های گسترده جمع آوری کمک مالی با ابتکار ما و ابتکار شخصی دوستداران تلویزیون یک راه مهم درآمد است. راه های تجاری درآمد هم یک منبع است که فکر می کنم علی جوادی به آنها خواهد پرداخت. ولی جمع آوری کمک مالی بطور منظم باید بیک وجه مهم کار ما و دوستداران تلویزیون بدل شود. این اولین بار است که چنین رسانه ای در دنیا آغاز بکار کرده است. در تاریخ ایران پدیده ای بی نظیر و کاملا نوظهور است. این تلویزیون را باید مثل تخم چشم مان عزیز بداریم و به آن کمک کنیم. این صدا و تصویر آزادیخواهی، برابری طلبی، عدالت خواهی و کمونیسیم است.

علی جوادی: تلویزیون انترناسیونال

یک ستاد تبلیغاتی مهم جنبش کمونیسیم کارگری و حزب کمونیست کارگری است. حزب و سیاستهایش را روزمره در دسترس مردم قرار میدهد. این جنبش عظیم و گسترده است. تاکنون ما با کمکهای مالی دوستداران خود به کارمان ادامه داده ایم. ادامه کاری ما را هم سازماندهی جمع آوری کمک مالی از دوستداران «کانال جدید» تامین خواهد کرد. از طرف دیگر به دنبال فروش برنامه هستیم. امیدوارم که بتوانیم در این عرصه هم جای خود را باز کنیم. و سازمان مالی تلویزیون را قوام بیشتری ببخشیم. واقعیت این است که با گسترش محبوبیت تلویزیون کانال جدید کسانی که خواهان خرید برنامه از ما هستند هم افزایش یافته است.

انترناسیونال: کی قرار است

برنامه ها بصورت زنده پخش شوند؟ انتظار و دعوت شما از بینندگان

چیست و چه کاری میتوانند برای تلویزیون خودشان انجام دهند؟

علی جوادی: ما در صدد بودیم تا

ماه سپتامبر به این هدف دست یابیم. بسیاری از مقدمات کار را نیز انجام دادیم، اما متاسفانه بعلت تغییر مکان کمپانی ماهواره که سیگنال ما را ارسال میکنند، این پروسه ناچارا به تعویق افتاده است. ما برای پخش زنده برنامه های تلویزیون روز شماری میکنیم. تولید و پخش زنده برنامه ها یک هدف عاجل ماست.

انترناسیونال: در پشت صحنه چه

خبر است؟ تفاوت کار تلویزیون کانال جدید با دیگر شبکه های رسمی و یا غیر دولتی چیست؟

آذر ماجدی: من تاکنون در تلویزیون های رسمی کار نکرده ام، با شبکه های دیگر نیز فعالیت نداشته ام، پس در مورد تفاوت ها نمیتوانم صحبت کنم. ولی اثباتا در مورد کانال جدید میتوانم حرف بزنم. این رسانه مهم بدون فعالیت شبانه روزی و فداکاری های بخش فنی نمیتوانست آغاز بکار کند و به حیات خود ادامه دهد. این یک نهاد انتفاعی نیست، کاملا داوطلبانه است و بر مبنای اعتقادات و آرمان های تمام کارکنانش به پیش میرود. این تعهد و همدلی و آرمانخواهی یک محیط سالم و گرم و پر شور برای کار ایجاد می کند. هر چند که بی خوابی و خستگی ممکن است بعضی اوقات احم بر صورت کارکنان بیاورد ولی این یک قاعده نیست، استثناء است. حس همکاری و شرکت در یک امر مشترک احساس پرشوری است که یک فضای شاد و مثبت برای کار ایجاد کرده است. نامه هایی که از ایران بخصوص می رسد همه را خوشحال می کند و خستگی را از تن ها بدر می کند. بسیاری اوقات در مورد مساله ای داغ یا بحث برانگیز که در برنامه صحبت می کنیم، موقع تنفس و پخش موزیک بحث بصورت داغی در استودیو و با دوستان بخش فنی ادامه پیدا می کند. بحث اینقدر داغ و جالب می شود که بعضی اوقات من برای بینندگان پس از تمام شدن موزیک تعریف می کنم. در یک کلام من از کار در کانال جدید بسیار لذت می برم و از آن انرژی می گیرم. *

باید همه جا نیروهای رژیم احساس نا امنی کنند

گفتگو با محمد آسنگران دبیر کمیته کردستان حزب

امکان به دور انداختن حجاب فراهم شود. ایجاد فضای آزاد در محلات عملی و ممکن است.

در مقابل هر جنایتی که سرکوبگران رژیم مرتکب میشوند باید فوراً دست بکار شد و جواب در خور به آنها داد. برای مثال تشیع جنازه عزیزی که در محور مریوان - سنندج جان باختند باید به یک تجمع بزرگ اعتراضی تبدیل شود. باید فوراً خواهان معرفی و محاکمه قاتلین شد. مردم با تجمع و اعتراض در مقابل مراکز دولتی باید خواهان برچیدن این مراکز نظامی از محل زندگی و عبور و مرور عمومی شوند. باید کاری کرد که همه جا نیروهای رژیم احساس نا امنی کنند.

زندگی امن و آزاد مردم در گرو سرنگونی رژیم اسلامی است. این رژیم باید با تمام دم و دستگاهش مورد تعرض قرار گیرد.

شروع شده است. رژیم اسلامی در کردستان از موقعیت به مراتب ضعیفتری به نسبت دیگر مناطق ایران قرار دارد. مقامات رژیم خودشان اینرا میدانند. به همین دلیل با تیر اندازی و قربانی گرفتن از مردم میخواهند فضای رعب و وحشت ایجاد کنند.

اما مردم کردستان مترصد فرصت میباشند که کل دم و دستگاه این جنایتکاران را در هم بپیچند. در شرایط کنونی تاکتیک تعرض به نیروهای سرکوبگر رژیم و ایجاد فضای نا امن برای آنها جوابی است که مردم و جوانان باید به این جنایتکاران بدهند. مردم و به ویژه جوانان در محلات شهر باید نیروهای سرکوبگر را فراری دهند. فضای محلات را باید امن کرد که دختران و پسران جوان به دور از مزاحمت نیروهای رژیم بتوانند امنیت داشته باشند. باید کاری کرد که در محلات شهر از هم اکنون

اعتراض و تظاهرات و شیوه های متعدد مبارزاتی پایه های حکومت را به لرزه در آوریم. باید به آرزوی شیرین میلیونها انسان در ایران که سرنگونی حکومت اسلامی و برپایی یک حکومت سکولار و مدرن و انسانی و سوسیالیستی است جامه عمل بپوشانیم. امروز وقت آن رسیده است که همگی دست به کار شویم و با اتحاد و با مبارزات خودمان حکومت نکبت اسلامی را سرنگون کنیم.

اعتراضات تا کنونی مردم تعادل قوای معینی را ایجاد کرده است. رژیم اسلامی نمیتواند این اعتراضات را مهار کند. افشار مختلف مردم با طرح مطالبات رادیکال خود تا کنون نشان داده اند که نه تنها از وضع موجود ناراضی هستند بلکه میخواهند زمینه تعرض نهایی به کل دم و دستگاه رژیم اسلامی را مهیاء کنند. اکنون دور دیگری از تعرض مردم به رژیم

حکومت نبود. بارها و بارها جنایتکاران اسلامی مردم زحمتکش را به گلوله بسته و وحشیانه به قتل رسانده اند.

واقعیت اینست که نفرت و انزجار از حکومت اسلامی در ایران به نهایت درجه رسیده و مردم با اعتراضات و مبارزات مداوم و گسترش یابنده خود، نشان میدهند که برای سرنگونی این حکومت به میدان آمده و میروند که با حکومت جنایت اسلامی تعیین تکلیف کنند.

پیام حزب به مردم کردستان اینست که پا به پای مبارزات مردم در ایران، به میدان بیایند و با سازماندهی مبارزات و گسترش هر چه بیشتر روز مرگ حکومت را نزدیکتر کنند. خطاب ما بویژه به کارگران، زنان و جوانان در کردستان اینست که روزهای تعیین تکلیف با حکومت اسلامی نزدیکتر میشود، باید کاری کنیم که با اعتصاب و

انترناسیونال: نیروهای جمهوری اسلامی در چند روز گذشته سه نفر را در محور مریوان - سنندج به قتل رساندند. روز پنجشنبه مردم سنندج اولین پاسخ تعرض رژیم را دادند و در خیابان کمربندی سنندج نیروهای جمهوری اسلامی را گوشمالی دادند. پیام حزب در کردستان خطاب به مردم شهرهای کردستان چیست؟ امروز چه اقداماتی باید در دستور قرار بگیرند؟

محمد آسنگران: یک روز بعد از جنایت سرکوبگران اسلامی، مردم سنندج در مقابل تعرض مجدد نیروهای رژیم اسلامی فوراً دست به عکس العمل زده و مزدوران حکومتی را وادار به فرار میکنند. این بهترین روش برخورد به مزدورانی است که به راحتی دست به اسلحه برده و زندگی انسانها را قربانی میکنند. قتل سه نفر در محور جاده سنندج - مریوان البته اولین جنایت از این نوع از سوی

اطلاعیه های کمیته کردستان حزب:

سرکوبگران جمهوری اسلامی جوانی را در محور سنندج - مریوان به قتل رساندند

است که بر شدت عمل خود علیه مردم بیفزایند و این جنایت نیز بدنبال این سیاست صورت گرفته است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران جان باختن جمیل را به خانواده و دوستان و بستگانش تسلیت میگوید و همه مردم را به اعتراضی گسترده علیه سرکوبگران جمهوری اسلامی فرا میخواند. اینان قاتلین هزاران تن از فرزندان مردمند و باید شرشان را از سر مردم کم کنند. ما همه مردم از شهرهای مختلف را فرا میخوانیم که در مراسم خاکسپاری و گرامی داشت جمیل شرکت کنند و آنرا به یک حرکت اعتراضی گسترده علیه حکومت منافور اسلامی تبدیل کنند.

۵ مهر ۱۳۸۲

۲۶ سپتامبر ۲۰۰۴

بنا به گزارشی که دریافت کرده ایم نیروهای جمهوری اسلامی در تیزو تیزو واقع در مسیر جاده سنندج - مریوان دست به جنایتی دیگر زدند و جوانی را به قتل رساندند. سحرگاه امروز یکشنبه ۵ مهر ساعت ۲ صبح نیروهای رژیم مستقر در پایگاه تیزو تیزو یک جوان ۲۸ ساله به نام جمیل فرزند جمال را هنگام عبور از جلوی پایگاه به گلوله بستند و این جوان در جا جان خود را از دست داد. جسد جمیل هم اکنون در پزشکی قانونی سنندج است و هنوز به خانواده او تحویل داده نشده است. این جنایت خشم مردم را بشدت برانگیخته است. بنا به این گزارش جمهوری اسلامی به نیروهای مسلح در کردستان دستور داده

اسلامی مستقر در محور جاده سنندج مریوان (پاسگاه جانوره) سه نفر را زیر رگبار سلاحهای خود قرار میدهند. دوفتر از آنها بلافاصله کشته میشوند، و نفر سوم از ناحیه دست و پا زخمی شده است.

همچنانکه در اطلاعیه قبلی به اطلاع رساندیم، روز یکشنبه هم جنایتکاران اسلامی در پاسگاه "تیزو تیزو" در همین محور یک نفر دیگر را به قتل رساندند.

این جنایات باید از طرف مردم جواب درخور را بگیرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تسلیت به خانواده و بستگان این عزیزان از همه مردم منطقه میخواهد صدای اعتراض خود را علیه این جنایات بلند کنند. خواهان محاکمه جنایتکاران و قاتلین این عزیزان بشوید. لازم است مردم برای برچیدن این قتلگها دست به کار شوند.

۶ مهر ۱۳۸۳

۲۸ سپتامبر ۲۰۰۴

شهر بودند مجبور به فرار شدند و مینی بوس و مسافران آن از تعرض آنها نجات داده شدند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به مردم مبارز سنندج درود میفرستد. بی تردید راه عقب راندن حکومت منافور اسلامی و سرکوبگرانش اتحاد و هم یاری مردم است و مبارزه و اعتراض امروز مردم در خیابان کمربندی سنندج نیز همچون نمونه های متعدد دیگر این امر را تاکید میکند. امروز خشم و نفرت مردم از جمهوری اسلامی سراسری و همه گیر است و باید این خشم و نفرت را به اعتراض و مبارزه ای متحد و فعال و سراسری علیه کل حکومت تبدیل کرد.

۹ مهرماه ۱۳۸۳

جنایتکاران رژیم اسلامی دو نفر دیگر را کشتند

بنا گزارش منبع خبری کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران دوشنبه شب نیروهای رژیم

مردم خشمگین سنندج نیروهای جمهوری اسلامی را کتک زدند

بنا به گزارشی که به حزب کمونیست کارگری ایران رسیده خیابان کمربندی شهر سنندج ساعت ۴ بعد از ظهر امروز، نهم مهرماه، یعنی چند ساعت قبل صحنه درگیری مردم خشمگین با نیروهای کنترل جمهوری اسلامی بود. سرکوبگران رژیم به یک مینی بوس که از مریوان آمده بود و حامل وسایل و اجناس مردم بود حمله برده و قصد مصادره و بردن آن را داشتند. مردم حاضر در محل با مشاهده این تعرض سرکوبگران دست به اعتراض زده و دور مینی بوس حلقه زدند و گفتند اجازه تعرض به اموال مردم را نمیدهیم. در ادامه، مردم به ماموران جمهوری اسلامی حمله کردند و آنها را زیر کتک گرفتند. ماموران رژیم که از پاسگاه شماره ۱۵ و ۱۱۰ جمهوری اسلامی در

پیام به معلمان

روز ۱۳ مهر، روز جهانی معلمان است،
به استقبال این روز برویم!

شهلا دانشفر

معلمان! همکاران گرامی!

روز ۱۳ مهر روز جهانی معلم فرا میرسد! به استقبال برگزاری با شکوه این روز برویم. روز ۱۳ مهر را شما با اعتصاب سراسری و با شکوهتان در سال گذشته به روز خودتان و به روز اعتراض و پافشاری بر روی خواسته‌هایتان تبدیل کردید. امسال نیز روز ۱۳ مهر ماه روز جهانی معلم را گرامی بداریم و از هم اکنون به استقبال این روز برویم!

پیش از ۴ سال است که مبارزه مان را گسترش داده ایم و جمهوری اسلامی نه تنها پاسخی به خواسته‌های ما نداده است بلکه هر روز زندگی سخت تر و مشقت باری را بر ما و بر کل جامعه تحمیل کرده است. واقعیت اینست که خواسته‌های ما خواسته‌های کل جامعه است.

اعتراضات ما در طی این سالها جای مهمی در جامعه باز کرده است. در هر دوره که اعتراض و مبارزه ای داشته ایم، با استقبال و حمایت مردم روبرو شده است. دیدیم که چگونه در تظاهرات سال ۸۱ ما در مقابل دانشگاه هزاران نفر از مردم جمع شدند و با ما یکصدا فریاد برآوردند آزادی، برابری! دیدیم که در اعتصاب یکهفته ای سراسری ما در دیماه ۸۲ چگونه دانش آموزان و خانواده هایشان از ما حمایت کردند و آنجا که نیروی انتظامی وارد مدرسه ها میشدند و میخواستند معلمان را زیر فشار و تهدید به کلاسهای درس بفرستند، فریاد معلم معلم حمایت میکنیم بلند میشد. حمایت از مبارزات ما یکی از بندهای قطعنامه های کارگران در اول ماه مه بود. بدون شك اکنون جامعه در التهاب مبارزه میسوزد! همین دو روز پیش شاهد تظاهرات وسیع مردم در تهران بودیم. در این تظاهرات

پرچم سرخ آزادی بلند شد و مردم شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" سر دادند. در این تظاهرات شعار "سوسیالیسم بپاخیز برای رفع تبعیض" سر داده شد، و اکنون که در این شهر و آن شهر شاهد اعتراضات گسترده مردم هستیم، زمینه مساعدی برای اینکه بار دیگر صدای اعتراضمان را بلند کنیم و برای خواسته‌ایمان به خیابانها بیاییم فراهم آمده است. در چنین شرایطی باید مصمم تر از هر وقت صدای اعتراضمان را بلند کنیم و بر خواسته‌ها و مطالباتمان پافشاری کنیم. روز ۱۳ مهر ماه روز جهانی معلم روز پیگیری و روز مبارزه همه ما معلمان در سراسر ایران است. این روز را هر چه با شکوهتر گرامی بداریم!

معلمان!

روز ۱۳ مهر دست از کار بکشیم و با برپایی تجمعات اعتراضی خود و با دادن قطعنامه هایمان بر روی خواسته‌هایمان پافشاری کنیم. روز ۱۳ مهر روزی جهانی است خواسته‌ایمان را به گوش کل جامعه و به گوش افکار عمومی در سراسر جهان و بگوش نهادهای بین المللی برسانیم.

اعلام کنیم که دیگر به اینهمه تحقیر و زندگی سخت و مشقت بار تن نخواهیم داد. اعلام کنیم که دیگر زیر بار تفتیش عقاید و سانسور و خفقان جمهوری اسلامی نمیرویم. اعلام کنیم که دست مذهب از آموزش و پرورش کوتاه باید گردد. این روز را به سنتی پایدار در جنبش اعتراضی مان تبدیل کنیم. از هم اکنون خواسته‌ها و مطالباتمان را بصورت قطعنامه های اعتراضی روشن و شفاف بنویسیم و آن ها را بر سر در همه

این شعاری بود که روز یکشنبه عصر در تهران در میان مردم کرارا فریاد شد! در قسمتی دیگر از اجتماع هزاران نفره تهران، جمع وسیعی از جوانان با پرچم سرخ و شعار "زنده باد برابری" حضور داشتند. گزارشگران ما عنوان میکنند که حزب الله تلاش کرد این پرچم را پائین بکشد اما جوانان و مردم نگاهداشتند و از پرچم سرخشان دفاع کردند. بعد از ۲۵ سال اعتراض و مبارزه و جنگ و گریز با یکی از ضد کمونیستی ترین و هارترین رژیمهای سرمایه داری، فریاد "سوسیالیسم بپاخیز برای رفع تبعیض" در قلب تهران شنیده شد.

این شعار از جهات بسیاری گویا و قابل تامل است. جامعه امروز ایران جامعه ای است مملو از تبعیض، بی عدالتی، و نابرابری که با منطق زور و سرکوب سرمایه میچرخد. تبعیض علیه زن، تبعیض علیه کودک، تبعیض علیه شهروندان در قوانین و محیط کار و خانواده و مراکز آموزشی، تبعیض بر اساس مذهب، ملیت، جنسیت، محل تولد، تبعیض بعنوان یک رکن مهم جامعه نابرابر سرمایه داری! این شعار نفی وضع موجود را کار جنبش سوسیالیستی میدانند و سوسیالیسم را بعنوان نفی وجود موجود باز میشناسند. این شعار آینده را همین امروز ترسیم میکنند. این شعار حضور علنی جنبش کمونیسم کارگری را اعلام میکند. این شعار امید و آرمان دهها

مراکز آموزشی نصب کنیم و در روزنامه ها و سایتهای خبری منعکس کنیم. از همه مردم، از دانش آموزان و خانواده هایشان، از دانشجویان و از کارگران و از کل جامعه و مردم آزادیخواه بخواهیم که از ما و از خواسته‌ها و مطالباتمان پشتیبانی کنند.

سیاوش دانشور

میلیون مردم محروم را مطرح میکند. این شعار تلاش نسلهای پی در پی برای ساختن یک دنیای بهتر را در موجزترین و روشنترین شکل آن بیان میکند. این شعار به جنبشی فی الحال موجود، به تمایلی قوی و ریشه دار در جامعه فراخوان میدهد که باید کار را تمام کرد. که سرنگونی امر همه ماست، که همه ما از ارتجاع و اختناق و استبداد و تبعیض و نابرابری بیزاریم، که همه ما نیرویمان را در قدرت جمعی مان باز میشناسیم، که باید دولت و قدرت فائقه را بعنوان نیروی سد راه خوشبختی همه ما در هم کوید، که باید در زندانها را شکست و زندانیان را آزاد کرد، که باید نصف جامعه را از زندان حجاب و آپارتاید اسلامی رها کرد، که باید کارگر و معلم و دانشجو و پرستار آزاد شوند، که آزادی بدست نیروی متحد ما و داشتن هدفی روشن ممکن است، که برای نفی تبعیض و نابرابری باید سوسیالیسم بعنوان یک جنبش و یک انقلاب و یک راه حل اجتماعی و طبقاتی در مقیاس وسیع قد علم کند!

این شعار نوری در تونل تاریک اسلام و اختناق سرمایه داری و راهی برای برون رفت نشان میدهد. این شعار زمانی مطرح میشود که آقای اهورا یزدی از مردم خواست که فقط اجتماع کنند، لباس سفید بپوشند، شعار ندهند و "نافرمانی مدنی" کنند! این شعار همراه با "زنده باد برابری!" و "زندانی سیاسی آزاد باید

روز ۱۳ مهر باید بر روی خواسته‌هایمان؛ خواست حق تشکل، حق اعتصاب، افزایش فوری و بالای حقوقها، ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن مناسب، بیمه درمانی رایگان و نیز استخدام رسمی و فوری ۴۰ هزار معلم حق التدریس تاکید کنیم. از هم اکنون به تدارک

زنده باد کمونیستهای کارگری و رهبران بادریتی که میتوانند مهر خود را در هر فرصتی بر اوضاع بکوبند! درود بر شما! زنده باد جوانان و مردمی که در دفاع از پرچم سرخ "زنده باد برابری"، چاقوکشان حزب الله را پس راندند! زنده باد شعار زیبا و عمیقاً انسانی و رهاییبخش "سوسیالیسم بپاخیز برای رفع تبعیض!" *

این روز برویم! اولتیماتوم دهیم که اگر به خواسته‌های برحق ما پاسخی داده نشود به اعتراضاتمان ادامه خواهیم داد. روز ۱۳ مهر ماه را به روزی با شکوه و به روز اعتراض گسترده خود برای پیگیری خواسته‌ها و مطالباتمان تبدیل کنیم
۸ مهر ۱۳۸۳

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

آیان هیرسی علی توسط اسلامی ها تهدید به مرگ شد!

جلیل بهروزی

هیرسی علی، زنی شجاع و سکولار، فراری از ازدواج اجباری، فراری از سنن و قوانین اسلامی و پناهنده ای از سومالی در هلند است. نقد و افشاگری او از اسلام و ستمی که بر زنان در کشورهای اسلام زده می‌رود، دفاع فعال او از حقوق مهاجران، او را به چهره‌ای سرشناس در هلند بدل ساخت. به نحوی که در مدتی کوتاه پست نمایندگی در پارلمان هلند را اشغال نمود. او همچنین بعنوان فیلم سازی که مسائل اجتماعی تحتانی ترین اقشار جامعه را به اکران میکشد نیز مشهور است. فیلم اخیر او "تسلیم" Submission که در باره چهار زنی است که با الله در هنگام نماز به گفتگو نشستند، مورد توجه وسیع مردم و استقبال زایدالوصفی قرار گرفت. چنین فیلمی که تمام کراهت اسلام را یکبار دیگر در مقابل دنیای متمدن قرار میدهد خشم و تنفر جریانات اسلامی را چنان برمی‌انگیزد که او را تهدید به مرگ میکنند. زانی که در فیلم ۱۱ دقیقه‌ای هیرسی به صحنه آمدند نمونه های تیسپیک هستند که در یک جامعه ای که جنبشهایی اسلامی دستشان به قدرت بند است یا حمایت میشوند، قربانیان و ذلیل شدگان بلاواسطه اند. صحنه سازان فیلم هیرسی برای همه ما و بخصوص زنانی که جمهوری اسلامی را تجربه کرده اند چهره هایی آشنا است. زن شلاق خورده بخاطر "عشق نامشروع"، دیگری بخاطر ازدواج اجباری، سومی زن کتک خورده از همسرش و چهارمی دختری

اعتراض گسترده مردم در نور آباد ممسنی و بندر عباس

کنند و این مراسم ها را به تجمعات باشکوه علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنند.

بندر عباس

بنا به يك گزارش ديگر امروز ۷ مهر ماه در شهر بندر عباس، گروههایی از اهالی شهر دست به اعتراض زدند و مسئولین استانداری شهر را مورد حمله قرار دادند. این اعتراض بدنبال آن صورت گرفت که در اثر اقدام بازرسی گشت دریایی جمهوری اسلامی، يك قايق موتوري با سه خدمه واژگون شد و سه سرنشین آن که زخمی شده بودند در بیمارستان جان باختند. بنا به خبر بدنبال انتشار خبر کشته شدن این سه نفر بنامهای علی داودی، غلام داودی و حبش آزادی، گروههایی از ساکنین منطقه خواجه عطای بندر عباس در مقابل محل استانداری جمع شدند تا نسبت به این واقعه اعتراض کنند.

اجتماع کنندگان در اعتراض به نیروهای حکومتی شعار سر دادند و به چند نفر از مسئولین استانداری حمله کردند. سرکوبگران رژیم اقدام به دستگیری شماری از مردم معترض کردند و با زور مردم را متفرق نمودند. بنا به خبر حدود ۱۰ نفر از مردم معترض دستگیر شدند. اعتراضات مردم نورآباد

ممسنی و بندرعباس بیانگر گوشه ای از خشم و انزجار عمومی مردم ایران از حکومت اسلامی و روحیه اعتراضی بالای مردم علیه این حکومت منفور است. مقامات و دست اندرکاران و مزدوران این حکومت باید در همه جا خود را در حلقه نفرت عمومی مردم ببینند. باید با مبارزات متحد و یکپارچه مردم آزادیخواه پوزر رژیم جنایتکاران را بپاک مالید. روزی که سران جنایتکار رژیم اسلامی بجرم ۲۵ سال جنایت، بجرم سرکوب و تحمیل خفقان و فقر و محرومیت به مردم به محاکمه کشیده شوند دور نیست. *

حکومت نظامی کرده اند اما مردم به آن بی توجهند.

حزب گزارش جدیدی در ۸ مهر ماه جزئیات بیشتری از اعتراض مردم در نورآباد را مطرح میکند: در تظاهرات دیروز ۷ مهرماه حداقل ۳ نفر از جوانان شهر نورآباد ممسنی در اثر تیراندازی سرکوبگران حکومت اسلامی جان باختند. مردم یکی از جانب‌اختگان را بنام شهاب حسینی، دانش آموز ۱۷ ساله، شناسائی کردند. جمهوری اسلامی جنازه این ۳ نفر را به سردخانه های شیراز منتقل کرده است. همچنین برطبق این گزارش حال تعدادی از مجروحان این تظاهرات وخیم گزارش شده است. از جمله گل خانم کریمی اهل روستای دشت رز نورآباد بععلت شدت جراحات وارده به بیمارستانی در شیراز منتقل شده است.

هم اکنون فضای شهر نورآباد متشنج است. راههای ورود به شهر را تقریباً مسدود کرده اند و نیروهای سرکوبگر همه جای شهر را تحت کنترل گرفته اند. لازم به توضیح است که تظاهرات دیروز از فلکه آموزش و پرورش شروع شد و همزمان با تعطیلی مدارس، دانش آموزان هنرستان و دبیرستان واقع در این میدان به تظاهرات پیوستند. تظاهرات کنندگان بطرف شهرداری حرکت کردند و کلیه ادارات دولتی و تمام بانکهای سر راه را در هم شکستند.

حزب کمونیست کارگری یاد شهاب حسینی و سایر جانب‌اختگان تظاهرات هفتم مهرماه نورآباد را گرامی میدارد و به خانواده ها و دوستان آنها صمیمانه تسلیت میگوید. حزب مردم نورآباد و سایر شهرها را فرامیخواند که متحدانه برای آزادی دستگیرشدگان دست به اعتراض بزنند. در مراسم بزرگداشت جانب‌اختگان هرچه گسترده تر شرکت

بنا به خبر حزب کمونیست کارگری، روز ۷ مهرماه، هزاران تن از مردم نورآباد ممسنی در خیابانهای این شهر دست به اعتراض و تظاهرات زدند. اعتراض مردم که با حمله به مراکز دولتی و از جمله فرمانداری و شهرداری شهر توأم بود، به درگیری خیابانی با نیروهای سرکوبگر حکومتی انجامید. اعتراضات بدنبال این صورت گرفت که صندوق قرض الحسنه این شهر بنام "ذوالفقار علی" که بیش از ۳۰ میلیارد تومان از پول مردم را بالا کشیده است قبلاً اعلام ورشکستگی کرده بود و بعد از اینکه مردم برای گرفتن پولهای خود به دادگاه شکایت کردند دادگاه روز گذشته اعلام کرد که این صندوق غیرقانونی بوده و دادگاه کاری نمیتواند انجام دهد. با اعلام این تصمیم دادگاه جمهوری اسلامی، هزاران نفر در برابر دادگاه تجمع کردند و دست به اعتراض زدند و در ادامه مردم خشمگین به ساختمان دادگاه رژیم حمله کردند و آنرا به آتش کشیدند. اعتراضات ادامه یافت و مردم خشمگین چند بانک و اداره تامین اجتماعی را نیز که با دست اندرکاری شماری از مقامات حکومت در برپایی این کلاهبرداری سهیم بوده اند، مورد حمله قرار دادند. نیروهای مسلح حکومت که از همان شروع تظاهرات در محل حاضر شده بودند دست به حمله زدند اما بدلیل اینکه تعداد آنها نسبت به مردم کم بود کاری از پیش نبردند. در ادامه از شهرهای شیراز و کازرون با هلیکوپتر نیروی کمکی به نورآباد گسیل شد و درگیری بین مردم و سرکوبگران گسترش یافت. بنا به گزارش تاکنون حداقل دوفنر از مردم معترض کشته شده و بیش از ۵۰ نفر زخمی شده اند. سرکوبگران تعداد ۱۰۰ نفر از مردم خشمگین را نیز دستگیر کرده اند. درگیریها تا هنگام شب که این گزارش ارسال شده ادامه داشته است. شهر ملتهب است. نیروهای انتظامی اعلام

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر ردیف ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

تعیین هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال
۸. مریم نمازی، دبیر کمیته
ارتباطات بین المللی
۹. مصطفی صابر، دبیر سازمان
جوانان
۱۰. مینا احدی، دبیر فدراسیون
پناهندگان

لازم به توضیح است که بخاطر
اهمیت عرصه کار پناهندگی بویژه
در این دوره، مسئول فدراسیون نیز
به هیات دبیران اضافه شده است.
واضح است که فدراسیون همچنان
سازمانی غیر حزبی است و عصویت
دبیر آن در هیات دبیران به این
معنی نیست که در رابطه فدراسیون
و حزب تغییری داده شده است.

**دفتر مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران**
۳۰ سپتامبر ۲۰۰۴

لیست زیر از جانب حمید تقوایی
لیدر حزب بعنوان اعضای هیات
دبیران به دفتر سیاسی معرفی شدند
و پس از گرفتن رای اعتماد رسماً به
عضویت در هیات دبیران حزب
انتخاب شدند.

۱. اصغر کریمی، رئیس هیات
دبیران
۲. شهلا دانشفر، دبیر کمیته کل
کشور و مسئول دفتر مرکزی
۳. محمد آسنگران، دبیر کمیته
کردهستان
۴. کاظم نیکخواه، دبیر کمیته خارج
کشور
۵. علی جوادی، مدیر تلویزیون
کانال جدید
۶. سیاوش دانشور، مدیر رادیو
انترناسیونال
۷. فانتح بهرامی، سردبیر

داشته است. در این تظاهرات مردم
شعارهایی نظیر آزادی اندیشه
همیشه همیشه سر میدادند. طبق
خبر دیگری در اهواز نیز اعتراضاتی
جریان داشته است.

مشروح اخبار را در اطلاعیه
های بعدی به اطلاع خواهیم رساند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ سپتامبر ۲۰۰۴، ۹ مهر ۱۳۸۳

اعتراضات توده ای مجدداً اوج میگیرد

گفته میشود که در شهرهای
اصفهان و اهواز نیز تظاهرات شده
است.

حزب کمونیست کارگری مردم را
به تداوم این اعتراضات و گسترش آن
به شهرهای مختلف در سراسر کشور
فرامیخواند. حزب کارگران،
دانشجویان، معلمان، پرستاران را به
اعتصابات سراسری و دامن زدن به
اعتراضات توده ای برای سرنگونی
حکومت اسلامی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ سپتامبر ۲۰۰۴، ۵ مهر ۱۳۸۳

تظاهرات و درگیری مردم با نیروهای سرکوب در اصفهان

با عوامل جمهوری اسلامی جریان
داشته است. بنا به این خبر در
محلات تخت فولاد، فلکه فیض و
چهار باغ بالا اجتماعات و زد و
خورد تا نزدیک نیمه شب جریان

بنا به گزارشی که به حزب کمونیست
کارگری رسیده است امروز پنجشنبه
۹ مهر، ۳۰ سپتامبر در بخش های
مختلف شهر اصفهان تظاهرات ها و
اجتماعات مردم و همینطور درگیری

آنها را متفرق کنند اما مردم در
نقطه دیگری تجمع میکردند. رسانه
های رژیم حضور مردم را در خیابان
انقلاب و پیاده روها تا ساعت ۸ شب
اعلام کردند اما طبق گزارشاتی که
به حزب رسیده است تا نیمه شب
مردم در خیابان بودند و برای
تظاهرات روزهای بعد قرار و مدار
گذاشتند. علیرغم اینکه بتدریج با
تاریکی شب از جمعیت کاسته شد،
اما مردم تا دیروقت شب در برخی
خیابانها از جمله خیابان فاطمی و
۱۶ آذر حضور داشتند.

امروز یکشنبه ۵ مهرماه هزاران نفر
از مردم تهران در مقابل دانشگاه
تهران و خیابانهای اطراف آن دست به
تجمع اعتراضی زدند و بار دیگر عزم
خود را برای سرنگونی حکومت
اسلامی به نمایش گذاشتند.

تجمع اعتراضی مردم از اولین
ساعات بعدازظهر در دانشگاه شروع
شد و بسرعت به بیرون دانشگاه
کشیده شد. ساعت ۴، ۳۰ بعدازظهر
تظاهرات کنندگان از مقابل دانشگاه
تهران به طرف پارک ملت حرکت
کردند و در طول راه تعداد زیادی

مردم به آنان پیوستند. خیابانهای
اطراف دانشگاه بسرعت مملو از
جمعیت شد. خیابان انقلاب بین
چهارراه وصال تا چهارراه جمالزاده و
خیابانهای ۱۶ آذر و کارگر مرکز
اصلی تجمع مردم بود. جمعیت با
دعوت مردم بویژه جوانانی که پرشور
در این تظاهرات شرکت داشتند به
پارک ملت منتقل شد. بتدریج بر
جمعیت افزوده شد و به حدود ۲۰
هزار نفر رسید. ترافیک اکثر
خیابانهای منتهی به دانشگاه بند
آمده بود. در دقایق اول شعاری داده
نمیشد و جمعیت با دست زدن و هورا
کشیدن و پایکوبی سعی در ایجاد
حرکتی هماهنگ میکردند، اما با
شعار آزادی آزادی و زندانی سیاسی
آزاد باید گردد، سکوت مردم
شکست. در ابتدا بخشی از مردم
حاضر در این اعتراض با شعار دادن
به این دلیل که موجب درگیری
میشود مخالفت کردند اما با
توضیح دیگران و پیوستن تعداد
بیشتری به کسانی که شعار میدادند
همه مردم به شعار دادن پرداختند.
نیروهای سرکوبگر، سپاه پاسداران و
نیروهای انتظامی از گاز اشک آور
استفاده کردند و در مواردی به
تظاهرات کنندگان حمله کردند تا

امروز یکشنبه ۵ مهرماه ۲۰۰۴ نفر
از مهاجرین افغانی در ایران در
مقابل درهای بسته ساختمان
سازمان ملل در مشهد دست به یک
اجتماع اعتراضی زدند، علیه
جمهوری اسلامی و برای برابری
شعار دادند و خواهان رفع فوری
محدودیت هائی شدند که جمهوری
اسلامی بر سر تحصیل کودکان آنها
قرار داده است. جمهوری اسلامی از
هر کودک خانواده های افغانی معادل
۳۰۰ دلار بابت ثبت نام پول نقد
میخواهد. خانواده ها همچنین
موظف شده اند که کارت پناهندگی
خود را موقع ثبت نام فرزندان خود
تحویل دهند و متعهد شوند که تا
آخر سال تحصیلی کشور را ترک
نمیکنند. جمهوری اسلامی با
اینکار نه تنها مانع تحصیل کودکان
افغانی شده بلکه عملاً کودکان را
برای اخراج خانواده های آنها گروگان
گرفته است.

امروز بعد از گذشت چند روز از

از کودکان افغانی در ایران و حق تحصیل آنها حمایت کنید

جمهوری اسلامی کودکان معصوم افغانی را از تحصیل محروم کرد

افغانی و کودکان آنها هراسانی را
تکان میدهد.
حزب کمونیست کارگری
برخوردهای فاشیستی جمهوری
اسلامی در حق مهاجرین و
پناهندگان افغانی را شدیداً محکوم
میکند، از مهاجرین و پناهندگان
افغانی و حقوق انسانی آنها حمایت
میکند و همه کارگران و مردم شریف
و آزادیخواه را به حمایت از آنها
فرامیخواند. حزب کارگران و مردم
محروم و آزادیخواه را به اتحاد و
اعتراض یکپارچه به جمهوری
اسلامی فرامیخواند. تحصیل برای
همه مردم باید رایگان باشد،
شهروندی حق بی قید و شرط
مهاجرین افغانی است. هرگونه
تبعیض و بیحقوقی در حق مهاجرین
افغانی محکوم است.
دستگیرشدگان باید فوراً و بی قید و
شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ سپتامبر ۲۰۰۴، ۵ مهر ۱۳۸۳

در درگیری میان تظاهرات کنندگان
و نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی
تعدادی از معترضین دستگیر شدند.
برخورد فاشیستی جمهوری
اسلامی با مهاجرین افغانی شهره
عام و خاص است. در طول ۲۵ سال
گذشته حکومت اسلامی کوچکترین
حقوقی برای شهروندان افغانی قائل
نشده و دائماً در حال دستگیری و
اخراج آنها بوده است. سازمان ملل
نیز بیشرمانه جمهوری اسلامی را
برای اخراج مهاجرین افغانی
همراهی کرده است. کارفرمایان نیز
از بیحقوقی مهاجرین افغانی
بیشترین سوء استفاده را کرده و
شرایط کاملاً برده واری را به آنها
تحمیل کرده اند. حتی همان قانون
کار ضدکارگری جمهوری اسلامی
هم شامل کارگران افغانی نمیشود.
بیحرمتی، سرکوب، بیحقوقی و فقر
سهم چندمیلیون کارگر افغانی در
ایران جمهوری اسلامی است. رفتار
جمهوری اسلامی با مهاجرین

آغاز سال تحصیلی هنوز تعداد
زیادی از کودکان افغانی ثبت نام
نشده اند. با توجه به سطح دستمزد
بسیار ناچیزی که کارگران بطور کلی
و کارگران افغانی بطور مشخص
دریافت میکنند، پرداخت سیصد
دلار وجه نقد بابت ثبت نام هر دانش
آموز از عهده هیچکدام از آنها
برنمیاید و این عملاً همه کودکان
افغانی را از تحصیل محروم
میکند. یکی از زنان شرکت کننده
در این تظاهرات میگوید شوهرم
فقط روزی دوهزار تومان حقوق
میگیرد و توان پرداخت شهریه سه
فرزند خود را ندارد. بسیاری از
خانواده ها ۳، ۴ و یا حتی بیشتر
کودک دانش آموز دارند. در
تظاهرات امروز تعدادی از کودکان
هم حضور داشتند و یکی از آنها در
حالی که گریه میکرد میگفت
میخواهم به مدرسه بروم. از درگیری
بین تظاهر کنندگان و مردم و
دستگیری عده ای گزارش میشود.